

# تحليل درآمدهای بودجه سال ۱۳۷۳

معاونت پژوهشی  
دهم بهمن ماه ۱۳۷۲

کار: گروه تحقیق  
تألیف و تنقیح: دکتر محمد سعید - نوری نائینی

## تحلیل درآمدهای بودجه سال ۱۳۷۳

### فهرست مطالب

- فصل اول: درآمدهای نفتی بودجه ۷۳
- فصل دوم: درآمدهای مالیاتی بودجه ۷۳
- فصل سوم: درآمدهای تبصره ۲۵ بودجه ۷۳

بودجه در حقیقت برنامه کوتاه مدت دولت و محل تلاقی اندیشه و عمل است. استراتژیها و سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های بلندمدت و میانمدت دولت در چارچوب بودجه به طرح و پروژه و فعالیت تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه برنامه‌ها خوب و درست تهیه شده باشد، اگر در هنگام تصویب بودجه به پیوستگیهای لازم توجه نشود، هرگز برنامه‌ها به فعالیت نخواهد انجامید. این ویژگی بودجه علاوه بر اینکه اهمیت بررسی دقیق آن را ضروری می‌نماید، مسأله تعادل بودجه را مطرح می‌سازد.

تعادل بودجه از دو نقطه نظر حائز اهمیت فراوان است: یکی از نظر تعادل برنامه‌ای و دیگری از نظر تعادل درآمد - هزینه. از آنجا که بودجه سال ۱۳۷۳ در هر سال، فصل مشترک دو برنامه عمده و سرنوشت ساز عمرانی (برنامه اول و دوم جمهوری اسلامی ایران) است، باید با دقت و ظرافت این تعادلها را حفظ کند. از جنبه نخست، اگر این بودجه تعهدات سنگین و حجیمی ایجاد کند، اثرات القایی آن در طول برنامه دوم حضور خواهد داشت و تهیه و عملکرد آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از نقطه نظر دوم یعنی تعادل درآمد - هزینه چند نکته قابل تأمل است:

اول آنکه، حجم عظیم کسری بودجه‌های گذشته به حدی است که افزایش آن فراتر از تحمل مالی اقتصاد ایران بوده و به همین دلیل، یکی از اهداف مهم دولت صفر نگه داشتن این کسری در طول برنامه است. مجلس شورای اسلامی نیز باید با دقت و وسواس دولت را در رسیدن به این هدف مهم یاری دهد و از اتخاذ هرگونه تصمیم متغیر آن بشدت احتراز نماید.

دوم، مسأله تأثیر مخرب کسری بودجه بر سرنوشت محرومان و مستضعفان کشور است که حمایت از آنها همواره سرلوحه اهداف انقلاب مقدس اسلامی بوده است. کسر بودجه لاجرم باید از طریق استقراض تأمین شود. شواهد تاریخی و تجارب عینی نشان می‌دهد که این کسری بیشتر با توسل به استقراض از سیستم بانکی تأمین خواهد شد و نتیجه آن نیز نشتراستکناس و افزایش حجم نقدینگی است. پژوهشهای متعدد نشان داده است که افزایش نقدینگی، کسر بودجه و تورم همواره دست در دست یکدیگر حرکت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، کسر بودجه مستقیماً به تورم تبدیل می‌شود و فشار کمرشکن خود را بر محرومان و مستضعفان اعمال می‌نماید. در مقابل، اقشار پردرآمد نه تنها درآمدهای خویش را با تورم تعدیل می‌کنند بلکه از آن منتفع نیز می‌شوند. به عبارت ساده‌تر، کسر بودجه راه قانونی انتقال رفاه از محرومان به اغنیا است و به همین دلیل، باید در حد وسواس از ایجاد آن جلوگیری نمود.

سومین و آخرین نکته مهم آن است که تخصیص درآمدهای کلی بودجه به بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی در سطح کلان و تخصیص بهینه بودجه هر بخش به طرحها، پروژه‌ها و فعالیتها بر اساس معیارهای منطقی و علمی ضامن موفقیت آتی و اجرای یک بودجه مطلوب است و در غیاب چنین محورهایی، در بهترین حالت، حدس و گمان جایگزین منطق و معیار خواهد شد.

«معاونت پژوهشی مرکز پژوهشها» توفیق نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی را در تهیه مطلوب بودجه سال ۱۳۷۳ از خداوند متعال مسئلت می‌نماید.

## درآمدهای بودجه

در بین عناوین درآمدی بودجه، نفت و مالیات سهمی عمده داشته و به همین دلیل، موفقیت تهیه و تصویب یک بودجه خوب نیز در گرو برآورد صحیح و دقیق این دو نوع درآمد است. از آنجا که برآورد درآمد سنگ زیربنای انجام هزینه‌های بودجه‌ای را تشکیل می‌دهد، اگر خدای نخواست به هر دلیل مبنا درست نباشد، بودجه تا ثریا نیز کج ادامه خواهد یافت. به عبارت ساده‌تر، برآورد زیادتر از واقع درآمدها، مجوزی برای انجام هزینه‌هایی صادر می‌کند که عملاً پشتوانه واقعی درآمدی ندارد. این رویداد، در عمل از طریق کسر بودجه جبران می‌شود و کسر بودجه نیز - همان طور که باختصار بیان شد - نه تنها تأثیری مخرب بر توسعه و پیشرفت دارد بلکه بیشترین فشار را بر مستضعفان وارد می‌سازد و فقرا را فقیرتر و اغنیا را ثروتمندتر می‌کند. به همین استدلال، روشن و قطعی است که باید در برآورد درآمدها با دقت و ظرافت عمل کرد تا خدای نخواست مصداق این بیان شیخ اجل قرار نگیریم که:

بر احوال آن کس بیاید گریست      که خرجش بود نوزده، دخل بیست

در مجموعه حاضر که دستاورد چندین گروه پژوهشی است، منابع عمده درآمدی بودجه ۷۳ در سه فصل مورد ارزیابی قرار گرفته است. گزارش‌های گروه‌های پژوهشی که این فصول را مطالعه نمودند، در جلسات متعدد با حضور مسؤولان مرکز پژوهشها و شماری از رؤسای کمیسیونهای محترم مجلس شورای اسلامی مورد بحث و مذاقه قرار گرفت و اینک تنقیح یافته و فشرده مطالعات مذکور جهت استحضار و بهره‌گیری نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ارائه می‌گردد.

### فصل اول: درآمدهای نفتی بودجه ۷۳

تاکنون، به طور سنتی در تهیه بودجه، فصل اول: درآمدهای نفتی بودجه ۷۳ برآورد درآمدهای نفت بر اساس نظرات و شمش کارشناسی انجام می‌شده است. نگاهی به برآوردها و واقعیتها در سالهای گذشته دو حقیقت مهم را نشان می‌دهد: اول آنکه این برآوردها از درجه قابل قبولی از صحت و دقت برخوردار نیست و همواره با واقعیت فاصله‌ای غیر قابل قبول دارد؛ دوم آنکه این نادرستی برآورد همواره به صورت تخمین اضافی متجلی شده است؛ یعنی همیشه برآورد درآمد بسیار بیشتر از درآمد واقعی بوده و در نتیجه، کسر بودجه و پیامدهای مخرب آن را بر اقتصاد و جامعه تحمیل کرده است. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی برای اولین بار تلاش کرده است که با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی علمی این برآورد را انجام دهد. علاوه بر این، برای حصول حداکثر اطمینان از نتیجه مدل، برآورد حاصله را با سناریوهای گوناگون یک برآورد کارشناسی مقایسه کرده است. نتایج این مطالعات در کمال اختصار ذیلاً برای آگاهی و استفاده نمایندگان محترم مجلس ارائه می‌شود.

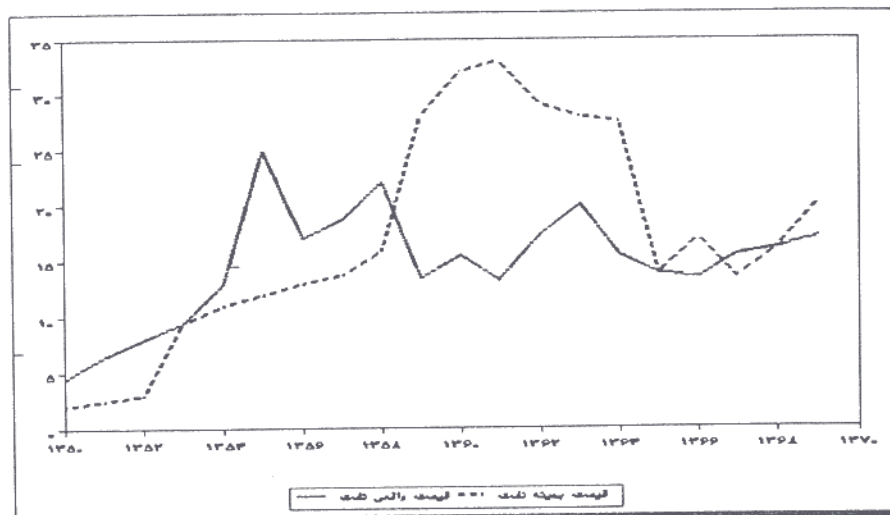
#### □ اول: برآورد بر اساس مدل اقتصادسنجی

این مطالعه که تحت عنوان «تبیین استراتژی بلندمدت تولید نفت خام برای کشورهای صادرکننده نفت «آپک» انجام شده است، روند قیمت بهینه نفت را براساس یک مدل تعدیل جزئی نشان می‌دهد. از آنجا که بازار نفت، بازاری برونزا است (یعنی حجم تقاضای نفت صادراتی را کشورهای

مصرف‌کننده نفت و عمدتاً کشورهای صنعتی تعیین می‌کنند)، تقاضای نفت آپک تابعی از نرخ رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و قیمت زغال سنگ به عنوان قویترین جانشین مصرف نفت در نظر گرفته شده است. معادلات برآورد شده همواره بیشتر از ۹۵ درصد تغییرات تقاضای نفت آپک را در چارچوب متغیرهای به کار برده شده نشان می‌دهد. (در گزینه‌های مختلف این مدل قیتهای نسبی نفت و ذغال سنگ و متغیرهای مجازی برای در نظر گرفتن شوکهای نفتی به کار رفته است).

مدل به نحوی طراحی شده است که قیمت بهینه نفت در طول زمان مشخص شود؛ به عبارت دیگر، هدف عمده این بوده است که قیمتهایی را که در طول زمان موجب حداکثر شدن درآمد نفت صادراتی آپک می‌شود، به دست آوریم. نتایج حاصل از محاسبات را می‌توان به صورت منحنی زیر خلاصه کرد:

نمودار مقایسه قیمت واقعی و بهینه نفت آپک بین سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۷۳



به طوری که ملاحظه می‌شود، تا قبل از سالهای ۱۳۶۵، قیمتهای واقعی و بهینه فاصله بسیار زیادی داشته است. تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در افزایش قیمت بهینه نفت بخوبی در نمودار مشخص است. نکته مهمی که در ارتباط با قیمت نفت می‌توان بیان داشت آن است که کشورهای صنعتی با توسل به سیاستهای گوناگون از قبیل صرفه‌جویی در مصرف و ایجاد ذخایر استراتژیک توانسته‌اند در سال ۱۳۶۵، قیمتهای آپک و قیمتهای واقعی را به هم نزدیک سازند. در منحنی فوق، تفاوت قیمتهای بهینه و واقعی از سال ۱۳۶۵ به بعد، نسبت به سالهای قبل بسیار اندک است. از آنجا که قیمت بهینه بر اساس مدل مورد نظر برآورد شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با اطلاع از متغیرهای اصلی مدل (یعنی نرخ رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و قیمت زغال سنگ) می‌توان قیمت بهینه نفت را با دقت خوبی برآورد کرد. خلاصه محاسبات انجام شده در مورد پیش‌بینی قیمت نفت صادراتی آپک، در سناریوهای گوناگون در جدول شماره یک خلاصه شده است.

جدول شماره ۱ - پیش‌بینی قیمت نفت آپک برحسب سناریوهای گوناگون رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی

سناریوهای رشد اقتصادی کشورهای صنعتی	قیمت نفت آپک (دلار در هر بشکه)	صادرات نفت آپک* (میلیون بشکه در روز)
صفر	۱۰	۱۸/۷۲
٪۱	۱۱	۱۸/۶۳
٪۱/۵	۱۱/۹	۱۸/۵۴
٪۲	۱۳	۱۸/۴۳

بر اساس آخرین اطلاعات واصله از دفتر امور آپک و روابط بین‌الملل وزارت نفت، متوسط قیمت نفت صادراتی آپک در سال ۱۹۹۳ معادل ۱۶/۴ دلار در هر بشکه و میزان صادرات نفت روزانه از ۱۸ میلیون بشکه بوده است.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، اگر کشورهای صنعتی از رشد اقتصادی سالانه ۲ درصد بهره‌مند شوند، قیمت نفت بشکه‌ای ۱۳ دلار خواهد بود و صادرات سازمان آپک نیز ۴۳۲ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت.

□ پیش‌بینی درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران عضو آپک است و با توجه به اختلاف موجود بین متوسط قیمت نفت صادراتی ایران و متوسط قیمت نفت آپک می‌توان با فرضیات متفاوتی درآمد حاصل از صادرات نفت خام را پیش‌بینی کرد. نتیجه این محاسبات در جدول شماره ۲ خلاصه شده است.

جدول شماره ۲ - پیش‌بینی درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران (ارقام درآمد به میلیارد دلار) (در سال ۱۳۷۳)

رشد اقتصادی کشورهای صنعتی (درصد)	متوسط قیمت نفت خام صادراتی ایران به دلار (۱/۵ دلار کمتر از قیمت آپک)	درآمد نفت خام ایران در صورت اجرای توافق بر مبنای ۲/۱ میلیون بشکه در روز (مشابه سال ۱۹۹۳)	درآمد نفت خام ایران در صورت افزایش صادرات نفت ایران از ۲/۶ میلیون بشکه در روز (نسبت به رشد صادرات آپک)	درآمد نفت خام ایران در صورت افزایش صادرات (ارقام درآمد به میلیارد دلار)
صفر	۸/۵	۶/۵	۸	۸/۴
۱	۹/۵	۷/۳	۹	۹/۳۳
۱/۵	۱۰/۴	۸	۱۰	۱۰/۱۷
۲	۱۱/۵	۸/۸	۱۱	۱۱/۲

جدول فوق نتایج اجرای سه سناریوی مختلف را در مورد میزان صادرات نفت ایران نشان می‌دهد. ستونهای ۳ و ۴ و ۵ جدول فوق به ترتیب درآمدهای حاصل از صادرات نفت را در سه حالت زیر بیان می‌کند: ستون ۳: در صورت صدور ۲/۱ میلیون بشکه نفت در روز

ستون ۴: در صورت صدور ۲/۶ میلیون بشکه نفت در روز (ادامه صادرات مانند سال جاری)  
ستون ۵: در صورت افزایش صادرات نفت ایران بر پایه سال ۱۹۹۳ و متناسب با افزایش صادرات نفت آپک، یعنی هرچه صادرات آپک افزایش یابد، ایران نیز متناسب با سهم خود از این افزایش صادرات سهمی داشته باشد.

با توجه به ضعیف بودن احتمال توافق عملی کلیه اعضای آپک به کاهش تولید سناریوی اول (ستون ۳) غیرواقعی به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، با توجه به احتمال ورود عراق - ولو به طور محدود - به بازار صادرات نفت، سناریوی سوم (ستون ۵) نیز غیرمحمتمل می‌نماید. بنابراین، در شرایط کنونی و در صورت عدم بروز این رویداد غیرمترقبه به نظر می‌رسد که قبول سناریوی دوم (ستون ۴) منطقی‌تر از سایر گزینه‌ها باشد؛ بدین ترتیب، با توجه به رشد اقتصادی کشورهای صنعتی، درآمدها حاصل از صدور نفت خام ایران بین ۸ تا ۱۱ میلیارد دلار در سال متغیر خواهد بود و از آنجا که بر اساس پیش‌بینی‌های محافل تخصصی بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ کشورهای صنعتی بطور متوسط از رشد اقتصادی ۱ تا ۱/۵ درصد برخوردار خواهند بود، می‌توان درآمد حاصل از صادرات نفت خام ایران را در این سال بین ۹ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد کرد؛ بدین ترتیب، با احتساب صدور سالانه ۰/۵ میلیارد دلار نفت کوره، جمع درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و نفت کوره بین ۹/۵ تا ۱۰/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

#### □ دوم - برآورد بر اساس روش کارشناسی

میزان صادرات نفت ایران و قیمت هر بشکه نفت در بازار جهانی تحت تأثیر عوامل بسیار متعددی قرار دارد که از جمله بهترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - توان تولید نفت در کشور (اعم از صیانت شده یا صیانت نشده)

۲ - عرضه جهانی نفت

۳ - تقاضای جهانی نفت (تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله رشد اقتصادی کشورهای صنعتی)

۴ - تأثیر عوامل روانی بر بازار نفت

عوامل فوق را می‌توان بطور بسیار خلاصه چنین در نظر گرفت:

۱- بر اساس آمارهای تولید ۱۰ ماهه سال ۱۳۷۲ توان تولید کشور عبارت است از ۳/۰۵۰/۰۰۰ بشکه در روز. از این مقدار بنابر اظهار کارشناسان نفت ۳۰۰/۰۰۰ بشکه در روز صیانت نشده است ولی ارقام رسمی وزارت نفت تولید صیانت نشده را ۱۹۰/۰۰۰ بشکه در روز اعلام نموده است. از طرف دیگر، سالانه به طور طبیعی معادل ۲۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افت سالانه تولید وجود دارد. بنابراین، اگر فرض کنیم که وزارت نفت، برنامه لازم و بودجه کافی برای جبران ۲۰۰/۰۰۰ بشکه افت تولید را دارا باشد، بیشترین تولید امکانپذیر در سال آینده از ۳/۹۵۰/۰۰۰ بشکه تجاوز نخواهد کرد.

۲- افزایش عرضه جهانی اعلام شده در بازار نفت عبارت است از:

۳۰۰/۰۰۰ بشکه از دریای شمال

۵۰۰/۰۰۰ بشکه از یمن

۲۰۰/۰۰۰ بشکه از عمان

۳ تا ۵ میلیون بشکه افزایش احتمالی حاصل از ورود نفت عراق به بازار  
علاوه بر اینها افزایش صادرات نفت روسیه و (شمال) ذخیره قابل ملاحظه کشورهای مصرف کننده  
بزرگ نفت را نیز نباید از نظر دور داشت.

۳- تقاضای اضافی نفت در بازار جهانی

علاوه بر قیمت انرژیهای جانمایی که مهمترین آن در حال حاضر قیمت زغال سنگ است، مهمترین  
عامل مؤثر بر تقاضای نفت جهان، میزان رشد اقتصادی کشورهای صنعتی است. میزان تقاضای اضافی  
حاصل از این عاملها به ازای ۱٪ رشد اقتصادی ۳۴۰ هزار بشکه و به ازای ۳٪ رشد، ۶۸۰ هزار بشکه  
پیش بینی شده است.

□ پیش بینی میزان صادرات و قیمت نفت ایران در سال ۱۳۷۳

با توجه به عوامل ذکر شده، میزان صادرات و قیمت نفت صادراتی جمهوری اسلامی ایران را  
می توان در دو سناریو به شرح زیر خلاصه کرد:

حالت اول: شامل عدم توافق اعضای آپک برای کاهش تولید

این حالت منجر به تولید هر چه بیشتر و صادرات حداکثر از طرف اعضا خواهد شد. چنین حالتی را  
اصطلاحاً «جنگ قیمتها» می نامند. در این حالت، تعادل تولید و صادرات و قیمت و درآمد به شرح زیر  
برآورد می شود:

مصرف (واحد: هزار بشکه)	تولید	
-	۳/۹۵۰	- بیشترین توان متوسط تولید
۱۵۰۰	-	- مصرف داخلی
		(شامل خوراک پالایشگاهها و واردات فرآورده های نفتی براساس عملکرد سال ۱۳۷۲)
۱۹۰	-	- تولید صیانت نشده
۵۰	-	- واریز به حساب خارج
۲۲۱۰	-	- صادرات
<hr/>	<hr/>	
۳۹۵۰	۳۹۵۰	- تعادل

- درآمد حاصل از صدور ۲/۲۱۰ هزار بشکه نفت خام در روز به ازای متوسط قیمت ۱۰ دلار برای  
هر بشکه معادل ۸/۰۶۶۵ میلیارد دلار خواهد بود.

در صورت تولید صیانت نشده درآمد حاصل از صدور نفت، به ازای قیمت ۱۰ دلار در هر بشکه  
معادل ۸/۷۶ میلیارد دلار خواهد بود.

$$[۸/۰۶۶۵ + (۱۹۰ \times ۳۶۵ \times ۱۰)] = ۸/۷۶$$

حالت دوم: شامل توافق اعضای آپک برای کاهش قیمت و عدم تخلف از سهمیه تعیین شده، بدون منظور کردن تولید و صادرات عراق

در این حالت، فرض می شود که اضافه عرضه و اضافه تقاضای جهانی تقریباً یکدیگر را خنثی نماید. در این صورت، صدور نفت خام و درآمد حاصل از آن عبارت خواهد بود از:

مصرف (واحد: هزار بشکه)	تولید	
	۳۶۰۰	- سهمیه ایران در آپک
۱۸۰		- کاهش برای جبران ورود عراق به بازار
۱۵۰۰		- مصرف داخلی
۵۰		- واریز به حساب خارج
۱۷۲۰		- صادرات
۳۶۰۰	۳۶۰۰	تبادل

درآمد حاصل از صدور روزانه ۱۷۲۰ بشکه نفت خام به ازای قیمت متوسط ۱۴ دلار در هر بشکه معادل ۸/۷۸۹ میلیارد دلار خواهد بود.

خلاصه و نتیجه: در مجموع، با استفاده از نظرات کارشناسی و مدل تقاضای جهانی نفت، درآمد حاصل از صدور نفت خام در سال ۱۳۷۳ بین دو حد ۸/۰۶۶ میلیارد دلار و ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. با احتساب حدود ۰/۵ میلیارد دلار صادرات نفت کوره، جمع درآمد ارزی حاصل از نفت در سال ۱۳۷۳ بین ۸/۵۶۶ و ۱۰/۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

### فصل دوم: برآورد درآمدهای مالیاتی در بودجه ۷۳

#### الف - مالیاتهای مستقیم

در این قسمت، مالیات بر شرکتها و سایر مالیاتهای مستقیم (مالیات بر درآمد و ثروت) مورد بررسی قرار می گیرد. به منظور اختصار، در جدول شماره ۳، علاوه بر ارقام پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۳۷۳، پیش بینی عملکرد سال ۱۳۷۲ و برآورد مالیاتهای مستقیم بر اساس یک مدل اقتصادسنجی ارائه شده است.

جدول شماره ۳- پیش بینی درآمدهای مالیاتی مستقیم در سه سناریو

عنوان	براساس بودجه ۱۳۷۳ سال	براساس عملکرد سال ۱۳۷۲	براساس مدل اقتصادسنجی	رشد بودجه سال ۷۳ نسبت به عملکرد سال ۷۲ (درصد)
مالیات بر شرکتها	۱۹۶۰	۱۶۵۱/۵	۲۱۷۶	۱۸/۷
سایر مالیاتهای مستقیم	۱۲۸۷	۱۰۰۹/۹	۱۴۱۶	۲۷/۵
جمع	۳۲۴۷	۲۶۶۱/۴	۳۵۹۲	۲۲

در بررسی ارقام پیش بینی شده توسط مدل، باید به چند نکته بسیار مهم توجه داشت، نخست آنکه

ساختار مدل مورد استفاده چنان است که برآوردهای مالیاتی در آن، تحت تأثیر شدید درآمدهای مالیاتی سالهای اخیر بوده و به همین دلیل، برآورد ما تا حدودی بیشتر از واقعیت است و بنابراین، کاربرد آنها باید با احتیاط تلقی شود؛ دیگر آنکه، رشد درآمدهای مالیاتی در سالهای گذشته خود ناشی از استفاده از ذخایر مالیاتی و نیز بهره‌گیری از ظرفیتهای خالی مالیاتی بوده است و به همین دلیل، تسری آنها به سالهای بعد از توجیهی قوی برخوردار نیست؛ در حالی که مدل مورد استفاده به این نکته بی‌توجه است. با توجه به مطالب فوق، برای نزدیکتر کردن مالیاتهای بالفعل در سال ۱۳۷۳ با پیش‌بینی‌های مندرج در جدول شماره ۳، لااقل می‌توان از پیشنهاد زیر سود جست. واضح است که تمهیدات دیگری نیز وجود دارد که به دلیل ضیق وقت، در حال حاضر امکان تحلیل کمی آنها موجود نیست ولی در چارچوب مطالعات سازمان یافته مالیاتی می‌تواند مفید واقع شود.

#### □ پیشنهاد تغییر ضوابط مالیات بر شرکتهای دولتی

از آنجا که در شرایط رکودی جهانی و داخلی موجود، به دلیل احتمال کاهش درآمدهای حاصل از نفت و کاهش سود، احتمال کاهش مالیاتها نیز وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳۸ تعدیل شود.

بر اساس اطلاعات موجود در اظهارنامه‌های مالیاتی شرکتهای در سال ۱۳۷۱، شرکتهای مشمول ماده ۱۳۸ بیش از ۶۰۰ میلیارد ریال از سودابرازی خود را به عنوان ذخیره توسعه قلمداد نموده و از شمول مالیات خارج ساخته‌اند. غیاب این ماده (با توجه به نرخ متوسط ۵۰٪) وصول مبلغ ۳۰۰ میلیارد ریال مالیات فراهم می‌شد. از آنجا که هدف این ماده تشویق سرمایه‌گذاری داخلی است، در صورت فراهم نبودن سایر شرایط برای سرمایه‌گذاران و در نتیجه عدم انجام سرمایه‌گذاری مبالغ معاف شده از مالیات، نه تنها هدف از وضع این ماده تحقق نمی‌یابد، بلکه درآمدهای مالیاتی دولت کاهش یافته و امکانات سرمایه‌گذاری ملی به همان نسبت منتفی می‌شود. پژوهشهای انجام شده نشان می‌دهد که میزان پرداخت مالیات هیچ‌گونه تأثیر معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری نداشته است. این بدان دلیل است که مشکلات دیگری وجود دارد که به مراتب قویتر از انگیزه معافیت مالیاتی بوده و از بروز تأثیر معافیتهای مالیاتی جلوگیری می‌کند.\*

با توجه به این واقعیتها و به منظور رعایت هر دو جنبه درآمدی و انگیزشی مورد بحث پیشنهاد می‌شود که:

۱ - شرکتهای خصوصی همچنان در شمول این ماده باقی بمانند ولی وجوه معاف شده از مالیات، با نظارت دقیق به سرمایه‌گذاریهای توسعه‌ای تخصیص یابد. در صورت عدم انجام کامل و دقیق سرمایه‌گذاری، متخلفان علاوه بر پرداخت مالیات معاف شده به جریمه‌ای معادل حداقل تورم سالانه محکوم شوند؛ به عبارت دیگر، متخلفان علاوه بر پرداخت اصل مالیات به ازای هر سال موظف به پرداخت حداقل ۲۰٪ جریمه باشند (هر ۱۰ سال حداقل ۱۰۰٪).

\* در صورت فراهم بودن کلیه شرایط سرمایه‌گذاری و نظارت بر تحقق سرمایه‌گذاری مورد نظر قانونگذار، به دلیل اینکه شرکتهای سودآورتر، سرمایه‌گذاری بیشتری خواهند کرد، این ماده از توجیه قوی اقتصادی برخوردار است.

۲ - چون مالیات اخذ شده از شرکتهای دولتی از طرف دولت در فعالیتهای توسعه‌ای مشابه یا با اولویت بیشتر سرمایه‌گذاری می‌شود، پیشنهاد می‌شود که معافیت ماده ۱۳۸ در مورد شرکتهای دولتی از ۱۰۰٪ به ۳۰٪ تقلیل یابد؛ به عبارت دیگر، ۷۰٪ مبلغ توسط دولت سرمایه‌گذاری شود و ۳۰٪ باقی‌مانده نیز طبق همان ضوابط پیشنهاد شده برای بخش خصوصی، از طرف خود شرکت به سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

#### ب - مالیاتهای غیرمستقیم

اقدام عمده تشکیل دهنده مالیاتهای غیرمستقیم، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش می‌باشد. جدول ذیل نشاندهنده ارقام پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۷۳ و نیز پیش‌بینی عملکرد سال جاری و پیش‌بینی سال ۱۳۷۳ بر اساس مدل اقتصادسنجی است.

جدول شماره ۴ - عملکرد مالیات در سال ۷۲ پیش‌بینی ۷۳

(ارقام به میلیارد ریال)

عنوان	پیش‌بینی بودجه سال ۱۳۷۳	پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۷۲	درصد رشد پیش‌بینی بودجه ۷۳ نسبت به عملکرد ۷۲	پیش‌بینی سال ۱۳۷۳ بر اساس مدل
مالیات بر واردات	۲۳۶۰	۱۲۱۶	۹۴	۱۰۷۹
مالیات مصرف و فروش	۷۹۳	۳۳۷	۱۳۵	۳۹۰
جمع مالیاتهای غیرمستقیم	۳۱۵۳	۱۵۵۳	۱۰۰	۱۴۶۹

#### □ مالیات بر واردات:

پیش‌بینی مالیات بر واردات در سال ۱۳۷۳ الزاماً می‌بایست با در نظر گرفتن شرایط ذیل انجام شود:

۱- کاهش تقاضای واردات با توجه به افزایش نرخ تعرفه

۲- کاهش ثبت سفارش کالا در سال جاری به دلیل محدودیتهای ارزی

۳- کاهش واردات به دلیل محدودیتهای ارزی سال آینده

با در نظر داشتن شرایط فوق و میزان واردات ۶ ماهه سال جاری که بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بوده و تا پایان سال به حدود ۲۰ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌گردد، وضعیت میزان واردات و نرخهای تعرفه لازم جهت حصول مالیات مورد نظر در سال آینده به شرح جدول ذیل خواهد بود.

لازم به ذکر است که از رقم ۲۳۶۰ میلیارد ریال مالیات واردات پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۷۳، حدود ۲۰۰۰ میلیارد ریال به عنوان حقوق و عوارض گمرکی و مابقی به عنوان حق ثبت سفارش و عوارض اتومبیلهای وارداتی منظور می‌شود.

جدول شماره ۵- بر اساس ۸ سناریوی مختلف کاهش واردات در سال ۱۳۷۳ (به ترتیب ۲۰٪ تا

۵۵٪) طراحی شده است. میزان واردات معاف از مالیات نیز در سه سطح ۲ و ۳ و ۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. در کلیه محاسبات، دلار معادل ۱۷۵۰ ریال محاسبه شده است.

جدول شماره ۵- پیش‌بینی متوسط نرخ حقوق و عوارض گمرکی در سناریوهای ۸گانه  
برای واردات کل و واردات کالاهای معاف از حقوق و عوارض گمرکی

نرخ لازم حقوق و عوارض گمرکی برای وصول ۲۰۰۰ میلیارد ریال در صورت معافیت واردات به میزان:			میزان واردات (میلیارد دلار)	سناریوهای مختلف کاهش واردات (درصد)
۴ میلیارد دلار	۳ میلیارد دلار	۲ میلیارد دلار		
%۹/۵	%۸/۸	%۸/۲	۱۶	%۲۰
%۱۰/۴	%۹/۵	%۸/۸	۱۵	%۲۵
%۱۱/۴	%۱۰/۴	%۹/۵	۱۴	%۳۰
%۱۲/۷	%۱۱/۴	%۱۰/۴	۱۳	%۳۵
%۱۴/۳	%۱۲/۷	%۱۱/۴	۱۲	%۴۰
%۱۶/۳۳	%۱۴/۳	%۱۲/۷	۱۱	%۴۵
%۱۹	%۱۶/۳۳	%۱۴/۳	۱۰	%۵۰
%۲۳	%۱۹	%۱۶/۳۳	۹	%۵۵

از آنجا که بر اساس سناریوهای تصویر شده در جدول شماره ۵ واردات مشمول حقوق و عوارض گمرکی از ۵ تا ۱۴ میلیارد دلار متغیر است، برای سهولت تصمیم‌گیری جدول شماره ۶ به منظور محاسبه حقوق و عوارض گمرکی در این دامنه از واردات و با تغییر نرخ حقوق و عوارض گمرکی از ۱۰ تا ۲۵ درصد طراحی شده است.

به عبارت ساده‌تر، این جدول نشان می‌دهد که در هر سطح از واردات (بین ۵ تا ۱۴ میلیارد دلار) و با هر نرخ حقوق و عوارض گمرکی (بین ۱۰ تا ۲۵ درصد) به میزان حقوق و عوارض گمرکی قابل وصول است.

#### □ مالیات مصرف و فروش:

تحقق پیش‌بینی رقم ۷۹۳ میلیارد ریالی این مالیات در سال آینده که از رشدی معادل ۱۳۵ درصد نسبت به پیش‌بینی عملکرد سال جاری برخوردار است، بیش از هر چیز مستلزم تصویب لایحه «اجازه وصول مالیات غیرمستقیم از برخی از کالاها و خدمات» تقدیمی دولت که در مجلس محترم شورای اسلامی در دست بررسی است، می‌باشد.

علاوه بر این، بنا به گزارش اداره کل مالیاتهای غیرمستقیم، تحقق ارقام درآمدی مالیاتهای مصرف و فروش منوط به انجام اصلاحاتی در قوانین مالیاتی در برخی از منابع مالیاتی این بخش شده است. مشروح این گزارش به ضمیمه پیشنهادات اصلاحی به پیوست ارائه می‌شود.

جدول شماره ۶: محاسبه حقوق و عوارض گمرکی بر حسب میزان واردات و نرخ حقوق و عوارض

(ارقام به میلیارد ریال)

%۲۵	%۲۴	%۲۳	%۲۲	%۲۱	%۲۰	%۱۹	%۱۸	%۱۷	%۱۶	%۱۵	%۱۴	%۱۳	%۱۲	%۱۱	%۱۰	متوسط نرخ	واردات
																حقوق و عوارض	مشمول
																	(میلیارد دلار)
۲۱۸۸	۲۱۰۰	۲۰۱۲	۱۹۲۵	۱۸۳۸	۱۷۵۰	۱۶۶۲	۱۵۷۵	۱۴۸۸	۱۴۰۰	۱۳۱۲	۱۲۲۵	۱۱۳۸	۱۰۵۰	۹۶۲	۸۷۵		۵
۲۶۲۵	۲۵۲۰	۲۴۱۵	۲۳۱۰	۲۲۰۵	۲۱۰۰	۱۹۹۵	۱۸۹۰	۱۷۸۵	۱۶۸۰	۱۵۷۵	۱۴۷۰	۱۳۶۵	۱۲۶۰	۱۱۵۵	۱۰۵۰		۶
۳۰۶۲	۲۹۴۰	۲۸۱۷	۲۶۹۵	۲۵۷۲	۲۴۵۰	۲۳۲۷	۲۲۰۵	۲۰۸۲	۱۹۶۰	۱۸۳۷	۱۷۱۵	۱۵۹۲	۱۴۷۰	۱۳۴۷	۱۲۲۵		۷
۳۵۰۰	۳۳۶۰	۳۲۲۰	۳۰۸۰	۲۹۴۰	۲۸۰۰	۲۶۶۰	۲۵۲۰	۲۳۸۰	۲۲۴۰	۲۱۰۰	۱۹۶۰	۱۸۲۰	۱۶۸۰	۱۵۴۰	۱۴۰۰		۸
۳۹۳۷	۳۷۸۰	۳۶۲۲	۳۴۶۵	۳۳۰۷	۳۱۵۰	۲۹۹۲	۲۸۳۵	۲۶۷۷	۲۵۲۰	۲۳۶۲	۲۲۰۵	۲۰۴۷	۱۸۹۰	۱۷۳۲	۱۵۷۵		۹
۴۳۷۵	۴۲۰۰	۴۰۲۵	۳۸۵۰	۳۶۷۵	۳۵۰۰	۳۳۲۵	۳۱۵۰	۲۹۷۵	۲۸۰۰	۲۶۲۵	۲۴۵۰	۲۲۷۵	۲۱۰۰	۱۹۲۵	۱۷۵۰		۱۰
۴۸۱۲	۴۶۲۰	۴۴۲۷	۴۲۳۵	۴۰۴۲	۳۸۵۰	۳۶۵۷	۳۴۶۵	۳۲۷۲	۳۰۸۰	۲۸۸۷	۲۶۹۵	۲۵۰۲	۲۳۱۰	۲۱۱۷	۱۹۲۵		۱۱
۵۲۵۰	۵۰۴۰	۴۸۳۰	۴۶۲۰	۴۴۱۰	۴۲۰۰	۳۹۹۰	۳۷۸۰	۳۵۷۰	۳۳۶۰	۳۱۵۰	۲۹۴۰	۲۷۳۰	۲۵۲۰	۲۳۱۰	۲۱۰۰		۱۲
۵۶۸۷	۵۴۶۰	۵۲۳۲	۵۰۰۵	۴۷۷۷	۴۵۵۰	۴۳۲۲	۴۰۹۵	۳۸۶۷	۳۶۴۰	۳۴۱۲	۳۱۸۵	۲۹۵۷	۲۷۳۰	۲۵۰۲	۲۲۷۵		۱۳
۶۱۲۵	۵۸۸۰	۵۶۳۵	۵۳۹۰	۵۱۴۵	۴۹۰۰	۴۶۵۵	۴۴۱۰	۴۱۶۵	۳۹۲۰	۳۶۷۵	۳۴۳۰	۳۱۸۵	۲۹۴۰	۲۶۹۵	۲۴۵۰		۱۴

## فصل سوم: درآمدهای تبصره ۲۵ بودجه ۷۳

### ۱- فشرده

در گزارش پژوهشی که ملاحظه می‌فرمایید آثار مستقیم و غیرمستقیم افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و سوخت بر زندگی خانوار، مورد ارزیابی قرار گرفته که خلاصه آن به این شرح است: ۱- اثر مستقیم سوخت بر هر خانوار در سال ۷۲ رقمی معادل ۱۰۷ هزار ریال است و آثار غیرمستقیم آن که شامل اثر سوخت در بخش‌های صنعت، کشاورزی و حمل و نقل است، هزینه سوخت و انرژی را در یک خانواده به ۱۶۰ هزار ریال می‌رساند. بنابراین در سال ۷۲ اثر مستقیم و غیرمستقیم انرژی بر زندگی یک خانوار معادل ۱۶۰ هزار ریال است. ۲- اگر افزایش قیمت‌هایی را که در تبصره ۲۵ بودجه سال ۷۳ پیش‌بینی شده در نظر بگیریم، اثر مستقیم آن از ۱۰۷ هزار ریال به ۲۰۰ هزار ریال افزایش خواهد یافت و اثر مستقیم و غیرمستقیم آن از ۱۶۰ هزار ریال به ۲۰۵ هزار ریال افزایش می‌یابد که معادل ۲/۵ درصد هزینه زندگی خانوار است. ۳- بنابراین با توجه به متوسط هزینه سالیانه خانوارها، ضریب اهمیت هزینه انرژی (مستقیم و غیرمستقیم) بالغ بر ۴/۱ درصد خواهد بود که با در نظر گرفتن افزایش قیمت‌هایی که در تبصره ۲۵ پیش‌بینی شده، سال ۷۳ این وضع از نظر مستقیم و غیرمستقیم به ۶/۴۵ درصد افزایش پیدا می‌کند که رقم عمده‌ای است و به عنوان یک شاخص برای فشار به خانوار تلقی می‌شود. لاجرم این آثار را باید بخصوص در مورد خانواده‌های مستضعف خنثی نمود. ۴- تردیدی نیست که چنانچه این وضعیت به همین منوال (آنگونه که در برنامه پیش‌بینی شده) ادامه یابد و قیمت سوخت سال به سال افزایش پیدا کند، در آن صورت این شاخص در سال ۷۷ به ۱۱ درصد می‌رسد، در حالیکه به عنوان مثال در کشوری مثل آلمان این نرخ معادل ۷ الی ۸ درصد است. ۵- بنابراین باید تدبیری اندیشید، اگر قرار است نرخها با هدف صرفه‌جویی در انرژی، افزایش درآمد و برقراری عدالت اجتماعی تعدیل شود، حتماً باید همزمان و حتی قبل از آن تدابیری اندیشید که این اثر فوق‌العاده، بر خانواده‌های گروه‌های پایین درآمدی خنثی شود.

### ۲- مقدمه

با توجه به مسائلی که از نقطه نظر سیستم‌های تولیدکننده انرژی (نفت و نیرو) و گروه‌های مختلف مصرف‌کنندگان بر اثر رشد تقاضا و مصرف انواع انرژی حادث شده است، استفاده از قیمت به مثابه یک اهرم تعدیل‌کننده و اصلاح‌کننده ساختار، طی این سالها مورد نظر قرار گرفته است. هرچند این موضوع طی چند سال اخیر بارها از سوی سازمانهای تولیدی و عرضه‌کننده پیشنهاد، بعضاً مطرح گردیده است، معهداً برای اولین بار است که این عمل در چارچوب هدفهای برنامه‌ای توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور قرار داده شده و اینک نیز بنا به ضرورت‌های اجرایی موضوع قیمت‌گذاری انرژی، از چارچوب برنامه‌ای آن جداگشته و در قالب تبصره ۲۵ لایحه بودجه سال ۷۳ اعلام گردیده است.

بررسی روند قیمت‌های انرژی طی سالهای گذشته نشان می‌دهد که این تغییرات بسیار محدود بوده و مجموعه حامل‌های انرژی طی سالهای ۱۳۴۳-۱۳۶۵ عموماً از یک ثبات مطلق برخوردار بوده و تغییرات طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منحصرأ شامل بنزین، نفت و گاز حرارتی منازل گردیده است. شایان ذکر است که قیمت عرضه نفت سفید قبل از سال ۱۳۴۳ به ازای هر لیتر ۳/۵ ریال بود که در آن سال نرخ آن به ۲/۵ ریال در لیتر کاهش یافت و این رقم تا سال ۶۶ که به چهار ریال افزایش یافت، ثابت بود. در مورد بنزین قیمت فروش آن در آذرماه ۱۳۴۳ از ۴/۵ ریال به ۱۰ ریال در لیتر افزایش یافت و یک ماه و نیم بعد مجدداً به هشت ریال کاهش یافت، مجدداً پس از گذشت حدود ۵ ماه در خردادماه ۱۳۴۴ برای دومین بار قیمت بنزین از ۸ ریال به ۶ ریال

کاهش یافت و تا سال ۵۶ این ثبات قیمت ادامه داشت.

هرچند طی سالهای ۶۶ و ۷۰ تغییراتی در قیمت فرآورده‌های نفتی اعمال گردیده است، با این همه قیمت عرضه انواع حاملهای انرژی در مقایسه با سایر شاخصهای قیمتی بسیار پائین است. بطوری که براساس ریال ثابت سال ۶۱ سیر نزولی قیمت‌ها کاملاً چشمگیر است. تغییر نرخ رسمی ارز، مبنای ارزشیابی قیمت انواع انرژی، خصوصاً فرآورده‌های نفتی را شدیداً دچار اختلال نموده و قیمت پایین انرژی را در ایران، در مقایسه با قیمت‌های بین‌المللی بسیار پایین‌تر از آنچه که هست نشان می‌دهد. ثبات نسبی قیمت‌ها، انتظارات مصرف‌کننده را در برخورد با مسأله تغییر قیمت از حساسیت خاصی برخوردار نموده و رفتار سیاسی با قیمت انرژی در ایران، بویژه در دوران قبل از انقلاب اسلامی، بار سیاسی و بازتابهای اجتماعی افزایش قیمت اینگونه کالاها را افزایش داده است. جای خوشوقتی است که اینک اصلاح ساختار قیمت‌ها در یک چارچوب برنامه‌ای مدنظر دولتمردان و برنامه‌ریزان قرار گرفته و طبیعتاً می‌بایست تعدیلات لازم در این خصوص انجام پذیرد. اما انجام این امر باتوجه به حساسیت موضوع و آثار متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که بر آن مترتب است باید با انجام بررسیها و برقراری تمهیدات لازم صورت پذیرد.

در این گزارش باتوجه به محدودیت زمان و امکانات، تلاش گردیده تا با بررسی تبصره ۲۵ و اهداف متصور بر آن، تصویری کلی از پیامدهای اعمال تبصره ارائه شده و پیشنهادهای مشخص بیان گردد.

### ۳- اهداف قیمت‌گذاری انرژی

نظر به اهمیت موضوع و حساس بودن نقش و آثار اقتصادی-اجتماعی و سیاسی قیمت‌گذاری انرژی، طبیعتاً هرگونه تحلیل و اعلام‌نظر درباره قیمت‌های انرژی باید باتوجه به مجموعه‌ای از هدفها، سیاستها، برنامه‌ها و امکانات اجرایی انجام گیرد، تا پس از طی دوره‌گذار و تغییر و تحولی که در تعدیل ساختار اقتصادی کشور در حال تحقق است، ساختار انرژی کشور به مثابه یک سیستم متشکل از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و هم‌بسته با صنایع کشور ایجاد گردد. در این راستا رؤوس اهداف تغییرات قیمت انرژی را می‌توان به صورت زیر اعلام نمود:

- تأمین منابع مالی لازم برای چرخش امور و ایجاد تغییرات مناسب در سیستمهای تولیدی و عرضه‌کننده انرژی
- تأمین قدرت مالی و نقدینگی لازم در سیستمهای دولتی، تأمین و عرضه انرژی جهت طرحهای سرمایه‌گذاری جدید و تکمیل و اتمام طرحهای در دست اقدام موجود
- تأمین بخشی از منابع درآمد دولت جهت هزینه‌های عمرانی براساس ارزش نفت خام محتوی فرآورده‌های نفتی
- تأمین شرایط مناسب برای استفاده مطلوب از مزیت‌های نسبی کشور در بهره‌وری از امکانات انرژی، جهت توسعه عمومی اقتصادی-اجتماعی و توسعه صنعتی خصوصاً صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع انرژی‌بر
- کاهش روند فزاینده مصرف فرآورده‌های نفتی شامل:
- کاهش اتلاف و ضایعات انرژی که عموماً ناشی از فرهنگ و رفتار مصرف‌کننده است، در درون سیستم‌های تولیدی نظیر نیروگاهها و سیستمهای انتقال توزیع برق و پالایشگاهها.
- افزایش بازدهی انرژی و کاهش شدت مصرف انرژی در بخشهای مختلف مصرف‌کننده
- توسعه جایگزینی گاز در جهت کاهش مصرف فرآورده‌های میان تقطیر نفتی
- تعادل بین قیمت انواع انرژی
- تعادل بین قیمت داخلی انواع انرژی با قیمت‌های کشورهای همجوار

- کاهش آلودگی محیط زیست از طریق کاهش مصرف انواع انرژی  
- تأمین عدالت اجتماعی در مصارف نیازهای حیاتی و اولیه نظیر گرمایش مسکن، سوخت آشپزخانه، آبگرم  
...

#### ۴- تبصره ۲۵ و ویژگیهای آن

لایحه بودجه ۷۳ و تبصره ۲۵ آن در ارتباط با برنامه کلان ۵ ساله توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور تنظیم گردیده و مضمون آن افزایش روند پیش‌بینی شده در برنامه دوم را برای انواع حاملهای انرژی در بردارد، که بنا به ضرورت اینک به صورت یک مقوله مجزا از برنامه مطرح گردیده است. باتوجه به نقش و تعریفی که از بودجه به مثابه تبلور برنامه‌ها در شکل پولی و انعکاس سیاستهای مالی - برنامه‌ای ارائه می‌گردد، لذا بحث و بررسی درباره لایحه بودجه و بالاخص این تبصره ترجیحاً باید در چارچوب تجزیه و تحلیل و بررسی مجموعه برنامه دوم ۵ ساله صورت پذیرد، تا انتظارات و اهداف حاصل از آن در یک افق میان مدت روشن گردد. با این همه در این بررسی عمدتاً به عملکرد آن و پیامدهای اجرایی آن طی سال ۷۳ پرداخته می‌شود و تصویری مقدماتی از مجموعه عملکرد قابل پیش‌بینی این سیاست قیمت‌گذاری انرژی مندرج در برنامه که تبصره ۲۵ فقط سال اول آن را پوشش می‌دهد، ارائه می‌شود.

در این تبصره علاوه بر افزایش قیمت انرژی که روی به مصرف‌کنندگان دارد، درآمدهای حاصل از افزایش قیمت تحت عنوان عوارض، جهت تأمین سرمایه طرحهای شرکتی ذریبط اختصاص داده شده است. از این روی این منابع در اختیار تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان انرژی قرار می‌گیرد.

در همین تبصره در بند «د»، دولت موظف شده است به منظور کمک به اقشار کم درآمد و مراکز فرهنگی و آموزشی، با تعرفه‌ای ترجیحی و خاص کمکهایی لازم را بنماید. در متن برنامه و مباحثات مربوط به بخش قیمت، تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد تکیه‌گاه اصلی توجیه افزایش قیمتها اعلام شده است.

#### ۵- آثار اعمال تبصره ۲۵ در بخشهای مختلف مصرف‌کننده انرژی

##### الف - ویژگیهای اقتصادی عام حاملهای انرژی

- ۱- انرژی در ابعاد مصرفی داخل کشور، یک کالای عام و ضروری است.
- ۲- ضروری بودن انرژی سبب می‌شود که کشش قیمتی آن بسیار پایین و نزدیک به صفر باشد؛ به عبارت دیگر تغییرات قیمت روی حجم مصرف آن اثر نمی‌گذارد.
- ۳- ضروری بودن انرژی سبب می‌شود که در قبال افزایش قیمت، چنانچه افزایش درآمد صورت نگیرد، معادل افزایش قیمت، قدرت خرید مصرف‌کننده کاهش یابد.
- ۴- باتوجه به آنکه انرژی و حاملهای آن کالای عام هستند، یعنی درصد مصرف‌کنندگان آن کالا در جامعه بالاست و تمامی اقشار جامعه را پوشش می‌دهد، هرگونه افزایش قیمت آن روی کلیه کالاهای مرتبط با سبد مصرفی اثر خواهد گذاشت. به عبارت دیگر افزایش قیمت انرژی از یک طرف خود یک تورم خواهد بود و از طرف دیگر تورم دیگری را به دنبال خواهد داشت و چون تورم دوم قابل کنترل نمی‌باشد، لذا سبب می‌شود الگوی توزیع درآمد در حالت نامتعادل قرار گیرد و فاصله طبقاتی به زیان قشر آسیب‌پذیر اجتماع بیشتر شود.

##### ب - آثار اقتصادی

بخشهای مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات، حمل و نقل و...) و خانوارها هر یک با ویژگی کمی

و کیفی خاصی از افزایش قیمت انرژی متأثر خواهند شد. بخشهای اقتصادی عموماً با ارزش‌گذاری کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان نهایی که همان خانوارها می‌باشند، عموماً آن توانایی را دارند که افزایش ناشی از قیمت یک کالای مصرفی اولیه را خواه سوخت یا کالای دیگر با افزودن بر قیمت نهایی کالا یا خدمات جبران نموده و در چارچوب قوانین عرضه و تقاضای کالا عمل نمایند که با توجه به کیفیت ساختار اقتصادی ایران و تجاربی که در این رابطه وجود دارد غالباً از این بابت متضرر نمی‌شود و در تحلیل نهایی مجموعه افزایش هزینه‌های تولیدی و خدماتی در بخش اقتصاد بازار به خانوارها انتقال می‌یابد و تنها بخش غیردولتی می‌تواند به گونه‌ای دیگر رفتار نماید. با توجه به سیاست تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار بخش دولتی، میزان جذب اثرات افزایش قیمت انرژی توسط دستگاههای دولتی کاهش می‌یابد و نقش قابل توجهی در این خصوص بعهدہ نخواهد گرفت. با توجه به این ویژگی در بررسی آثار اقتصادی و بخصوص آثار تورمی، از چارچوب نظری فوق استفاده گردیده است. شایان ذکر است که در بررسی آثار تورمی مستقیم و غیرمستقیم، این روش تنها تصویری مقدماتی از تورم را نشان می‌دهد که در شرایط محدودیت زمانی و اطلاعاتی نتایج آن می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرد. بدیهی است که بررسیهای دقیقتر و کاملتر در شرایط مقتضی امکانپذیر می‌باشد. براساس مطالعات و بررسیهای انجام گرفته درخصوص مصرف انواع انرژی در بخشهای مختلف مصرف کننده شامل:

- بخش خانگی و تجاری
- بخش صنعت
- بخش کشاورزی
- بخش حمل و نقل

ساختار بخشی کلان مصرف انرژی کشور، با استفاده از تجارب کارشناسی و آمار و اطلاعات متعدد و پراکنده تهیه و تنظیم گردیده، که برخی از نتایج آن در نمودارهای پیوست ارائه گردیده است. تصویر مصارف برنامه‌ای سالهای ۷۳ تا ۷۷ تداوم روند فزاینده مصرف را طی سالیان آتی به خوبی نشان می‌دهد. براساس نتایج فوق و تعیین مصارف انواع انرژی در بخشهای مختلف و منظور داشتن قیمت‌های فعلی و پیش‌بینی شده انواع انرژیها، تصویر هزینه‌های انرژی در هریک از بخشهای مختلف اقتصادی به صورت نمودار ارائه گردیده است. این نمودارها بخوبی گویای تغییر و تحولی که در حوزه‌های اقتصادی کشور بر اثر افزایش قیمت انرژی ایجاد خواهد شد، می‌باشد. توجه به نمودار هزینه‌های بخش خانگی و تجاری جهت هزینه‌های مستقیم انرژی، شامل سوخت، روشنایی، مصرف برق و همچنین بنزین اتومبیل‌های شخصی، که در مجموع از حدود ۱۱۹۳ میلیارد ریال در سال ۷۲ به ۲۳۶۵ میلیارد ریال در سال ۷۳، (تقریباً دو برابر و در روند تغییرات قیمت انرژی خانوارها، علیرغم رشد مصرف کاملاً بی‌سابقه است)، قابل توجه می‌باشد. با اعمال قیمت‌های جدید برنامه‌ای این روند در سال ۱۳۷۷ به ۹۶۵۰ میلیارد ریال بالغ خواهد گشت و حداقل رشد متوسط سالیانه ۵۲ درصد را، بر بخش خانگی به صورت مستقیم در رابطه با مصرف انواع انرژی تحمیل خواهد نمود. با توجه به تعداد خانوارها متوسط هزینه سرانه مستقیم انرژی هر خانوار از ۱۰۶ هزار ریال در سال ۷۲ به ۲۰۵ هزار ریال در سال ۷۳ افزایش خواهد یافت و در سال ۱۳۷۷ این رقم به ۷۶۸ هزار ریال خواهد رسید.

۶- برآورد مقدماتی تورم مستقیم ناشی از افزایش قیمت‌های انرژی در سال ۷۳  
براساس نتایج حاصل از این مطالعه مجموع هزینه‌های انرژی بخش غیردولتی برحسب بخشهای مختلف، برای سالهای ۷۲ (قیمتهای فعلی) و سال ۷۳ (قیمتهای جدید) محاسبه و در جدول پیوست ارائه شده است.

ارقام این جدول افزایش هزینه‌های انرژی را از ۱۸۰۲ میلیارد ریال در سال ۷۲ به ۳۵۹۸ میلیارد ریال در سال ۷۳ نشان می‌دهد. براین اساس متوسط هزینه سرانه انرژی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای هر خانوار در سال ۷۲، ۱۶۰ هزار ریال و در سال ۷۳ بالغ بر ۳۱۲۵۰۰ ریال می‌باشد. باتوجه به متوسط هزینه سالانه خانوارها ضریب اهمیت هزینه انرژی (مستقیم و غیرمستقیم) بالغ بر ۴/۱ درصد می‌گردد و براین مبنا ضریب تورمی حاصل از افزایش قیمت انرژی به ۳/۹ می‌رسد. این ضریب تورمی با این فرض محاسبه شد که گروه‌های اقتصادی، صرف افزایش قیمت انرژی پرداختی خود را به مصرف‌کنندگان انتقال دهند که این مجموعه تفاوت بالغ بر ۱۵۲ هزار ریال خواهد بود. باتوجه به افزایش هزینه مستقیم انرژی خانوار که به میزان ۹۹۴۲۳ ریال است مشخص می‌گردد که ۶۵ درصد از این افزایش قیمت به صورت مستقیم در شکل هزینه‌های برق، سوخت و بنزین اتومبیل‌های شخصی به خانوارها تحمیل شده و ۳۵ درصد از آن به صورت غیرمستقیم از طریق کالاها و خدماتی که خانوارها از گروه‌های اقتصادی بخش خصوصی دریافت می‌کنند عملاً به صورت غیرمستقیم به خانوارها تحمیل گردیده است. حال چنانچه میزان هزینه انرژی پرداختی توسط بخشهای اقتصادی به صورت تصاعدی و چندبرابر در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات آنان انعکاس یابد، از آنجا که پرداخت نهایی آن توسط خانوارها انجام می‌گیرد، موجی از تورم ایجاد شده و ضریب تورمی اولیه که به میزان ۳/۹ محاسبه گشت، متناسباً افزایش خواهد یافت. دریک محاسبه اولیه چنانچه بخشهای اقتصادی افزایش معادل دو برابر قیمت انرژی مصرفی خود را که حداقل عکس‌العمل پیش‌بینی شده است اعمال دارد، ضریب تورمی حاصل به ۶/۷۵ درصد افزایش خواهد یافت.

علاوه برآنچه که تاکنون بیان گردید باتوجه به بافت کنونی اقتصاد، جامعه و بازار غیرقابل کنترلی که شدیداً تحت عوامل مختلف و بویژه عامل روانی از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد، تورم مستقیم ناشی از افزایش قیمت انرژی به صورت مختلف اثرات القایی و چندجانبه‌ای را بر روند متناسب و مستقیم افزایش قیمت‌ها وارد می‌نماید و چنانچه کنترل قیمت‌ها میسر نباشد در شرایط تورمی، هرگونه افزایش قیمت برای هر نوع کالا باعث می‌شود که این افزایش بصورت تکاثری عمل نماید به این معنی که تورم نهایی در جامعه به مراتب بیش از مقدار افزایش قیمت خواهد بود.

مسائل مطروحه فوق به انضمام مسائل روانی باعث می‌شود که اولاً حداقل معیشت کاهش و کمربند فقر از نظر مقدار افزایش یابد و افراد جدیدی در زیر کمربند فقر قرار گیرند. ثانیاً فشار اقتصادی که هم‌زمان با اعمال سیاست تعدیل نیروهای شاغل و نیز اجرای خصوصی‌سازی وجود دارد، سبب می‌شوند که پرخاشگری‌های اجتماعی افزایش یابد.

ذکر این نکته کاملاً ضروری است که هرگونه افزایش قیمت‌ها در جامعه به سرعت و هرگونه کاهش قیمت فوق‌العاده کند خواهد بود و سختی و چسبندگی قیمت‌ها سبب می‌شوند هنگامیکه قیمت یک عامل افزایش یابد چنانچه بعد از افزایش قیمت، عامل بوجود آورنده آن به هر طریق از جمله پرداختهای مستقیم و یا غیرمستقیم سوسید از بین برود، سختی قیمت پابرجا بوده و آثار تورمی قیمت از بین نخواهد رفت.

#### ۷- توزیع درآمدی خانوارها

تأثیر بر ترکیب توزیع درآمدی خانوارها اعم از شهری و روستایی نیز بخش دیگری از این تأثیرات می‌باشد، که باتوجه به موضوع تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد که از ارکان برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی می‌باشد، نیازمند بررسی دقیق بوده و تحلیل آن زمان و امکانات خاصی را طلب می‌کند. دریک دیدگاه کلی باتوجه به برخی اطلاعات اخذ شده از منابع آماری، در مورد چگونگی برخورداری گروه‌های مختلف درآمدی

شهری و روستایی از لوازم و تجهیزات مصرف کننده انرژی نظیر اتومبیل شخصی، موتورسیکلت، انشعاب گاز، سیستم حرارت مرکزی، حمام و اجاق گاز، از بررسیهای مقدماتی چنین نتیجه می شود که سهم و ضریب اهمیت انرژی در هزینه خانوارهایی که درآمد کمتری دارند افزایش بیشتری را نسبت به خانوارهای با درآمد بالاتر داشته و این امر باعث می گردد تا افزایش قیمت های انرژی بر گسترش شکاف بین فقیر و غنی و دو قطبی کردن جامعه بینجامد.

#### ۸- کاهش روند فزاینده مصرف و صرفه جویی

باتوجه به ساختار الگوی مصرف انرژی کشور، عمده ترین انتظار را در کاهش مصرف انرژی می بایست در تصحیح الگوهای رفتاری مصرف کنندگان یافت. بررسیهای انجام شده در مورد میزان مصارف انرژی خانوارهای کم درآمد و سهم پایین آنان نسبت به متوسط انرژی مصرفی خانوارها، تغییرات در الگوی مصرف حداقل پنج گروه اول درآمدی را بسیار محدود می کند و گروه های درآمدی بالا باتوجه به ضریب اهمیت پایین انرژی در مجموع هزینه هایشان نسبت به افزایش قیمت انرژی عکس العمل چشمگیری نشان نخواهند داد. لذا بیشترین تغییر در رفتار مصرف کننده را در گروه های میانی درآمدی می باید یافت.

کاهش مصرف انرژی از طریق افزایش بازدهی انرژی، مستلزم تغییر در ساخت و خط تولید صنایع تولیدکننده تجهیزات و وسایل مصرف کننده انرژی بوده و طیف وسیعی از کالاها و وسایل نظیر انواع خودرو، یخچال، تلویزیون، لامپ و... را دربر گرفته و علاوه بر سیاست های صنعتی ساخت داخل، از الگوی وارداتی نیز تأثیر می پذیرد. مهمترین مانع در کاهش مصرف انرژی و انباشته شدن آن طی دو دهه اخیر بوده که به علت ارگانیک نبودن با روند تغییرات جهان تکنولوژیک، از کمترین انعطاف پذیری و توان در تغییر الگو برخوردار است. ضعف دانش تحقیقاتی، طراحی و تکنولوژی تولید مزید بر این امر گردیده و هرچند به ظاهر قیمت پایین فرآورده های نفتی و برق عامل اصلی این ضعف اعلام می گردد، معینا ابعاد مسأله و دلایل این امر بسیار فراتر از این بوده و نموده های مختلفی را از مجموعه روابط بین الملل و سیاست های اقتصاد جهانی و پروسه رشد و توسعه کشورهای جهان سوم دربر دارد. براین اساس سازماندهی اجرای امر افزایش بازدهی انرژی، از ضروریات مبرمی است که همکاری وزارتخانه های صنایع، صنایع سنگین و معادن و فلزات را تحت یک برنامه جامع و دراین راستا ایجاب می نماید.

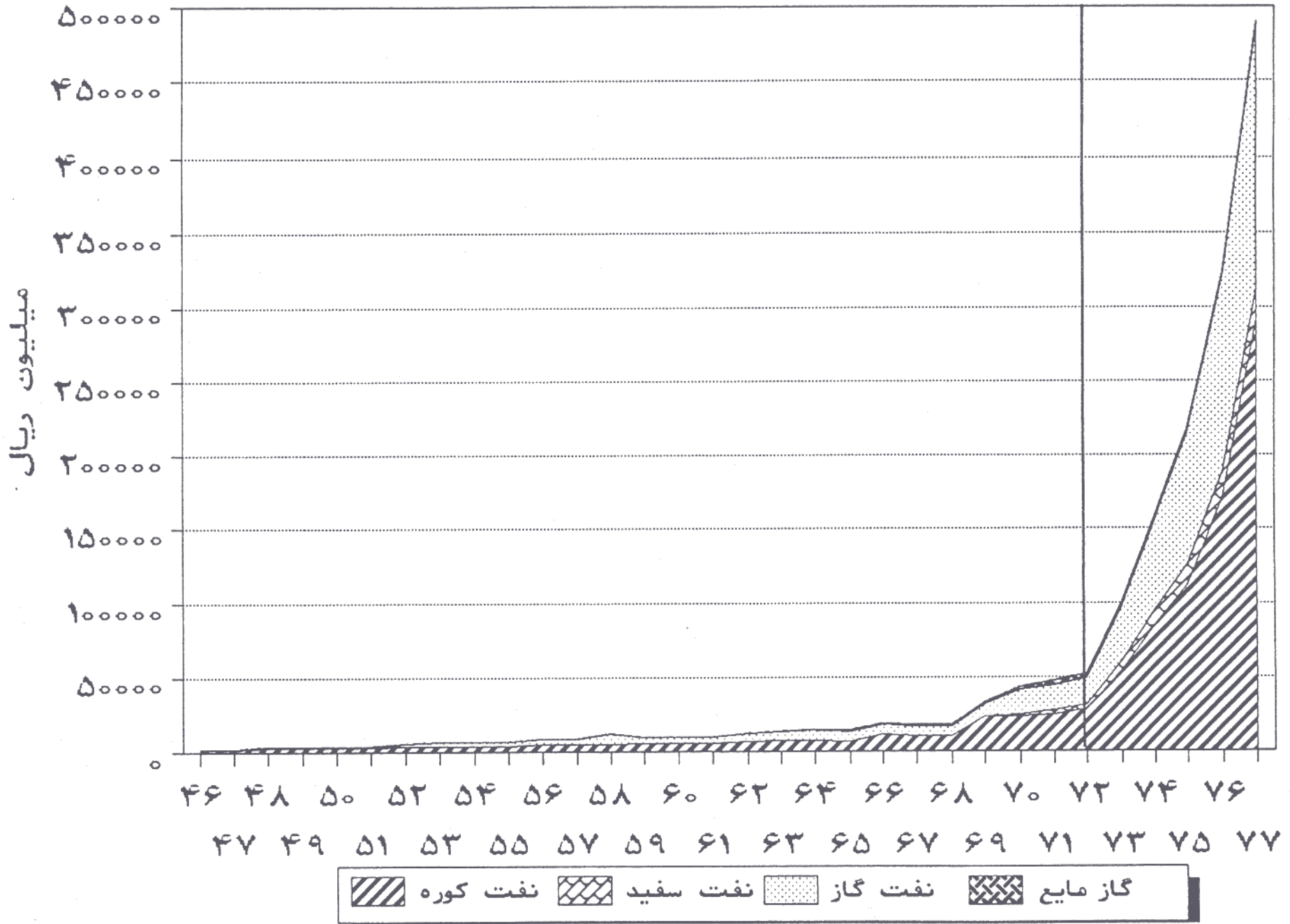
افزایش بازدهی و کاهش مصرف انرژی در سیستم های تولیدکننده و عرضه کننده انرژی، سوی دیگر این مسأله است. توجه به میزان سوخت و تلفات شبکه برق کشور و ضایعات پالایشگاه های نفت و گاز و خطوط انتقال و توزیع (نمودار پیوست) بخوبی سهم و اهمیتی را که افزایش بهره وری در این مجموعه ایفا می نماید، روشن می سازد. براین اساس ضروری است افزایش قیمت های انرژی، درجهت ایجاد مکانیزم های لازم در بهینه سازی این سیستمها و انجام تغییرات لازم به کار گرفته شود.

هزینه‌های سوخت به تفکیک بخش‌ها - در سالهای ۷۲ و ۷۳

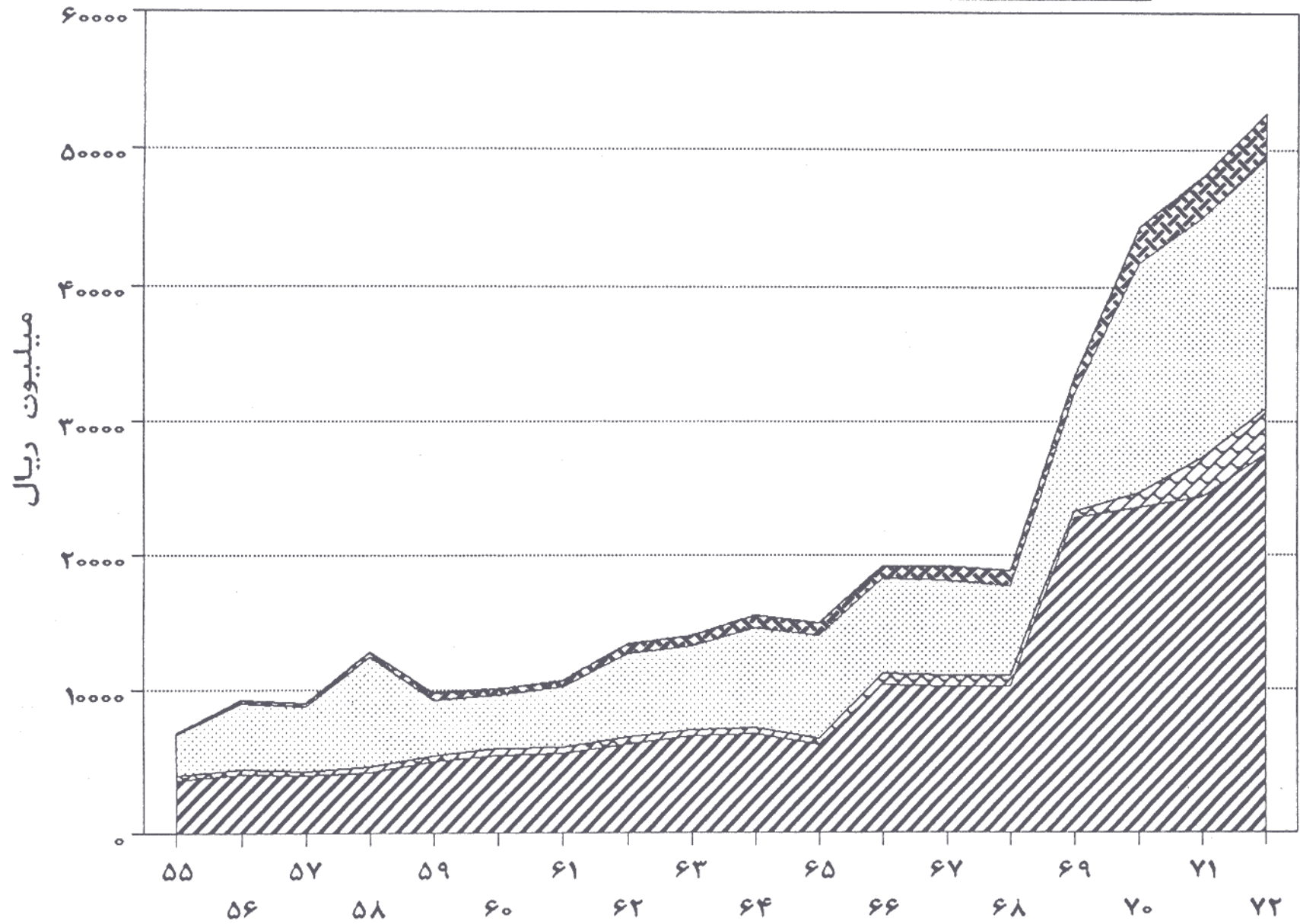
بخش	سال ۷۲ (قیمت‌های فعلی)	سال ۷۳ (قیمت‌های فعلی)	سال ۷۳ (قیمت‌های جدید)
<b>۱- خانگی و تجاری</b>			
شامل: انواع فرآورده‌های نفتی مصرفی +	۲۴۴,۷۲۷	۲۵۳,۱۲۲	۴۴۳,۵۶۸
گاز طبیعی	۶۵,۱۱۶	۲۵,۰۴۴	۱۱۶,۳۱۸
برق	۶۷۱,۵۰۹	۷۰۹,۷۶۴	۱,۲۵۸,۷۸۷
بنزین جهت مصارف شخصی	۲۱۲,۴۹۹	۲۲۲,۶۵۹	۵۴۶,۳۸۳
	۱,۱۹۳,۸۵۱	۱,۲۶۰,۵۸۹	۲,۳۶۵,۰۵۶
<b>۲- صنعتی</b>			
شامل: انواع فرآورده‌های نفتی مصرفی +	۵۰,۹۲۲	۵۱,۰۲۳	۸۷,۹۸۴
گاز طبیعی	۵۵,۲۷۶	۵۶,۷۶۰	۷۸,۲۰۳
برق	۱۰۸,۰۴۴	۱۱۱,۶۹۵	۱۳۰,۵۰۳
	۲۱۴,۲۴۲	۲۱۹,۴۷۸	۲۹۶,۶۹۰
<b>۳- کشاورزی</b>			
شامل: فرآورده‌های نفتی مصرفی +	۶۰,۵۲۹	۶۳,۳۴۱	۱۲۶,۹۶۱
برق	۹,۲۳۷	۹,۰۶۵	۱۰,۵۱۵
	۶۹,۷۶۶	۷۲,۴۰۶	۱۳۷,۴۷۶
<b>۴- حمل و نقل</b>			
شامل:			
بنزین +	۲۳۹,۰۶۱	۲۵۶,۱۱۷	۶۱۴,۶۸۰
نفت گاز +	۸۵,۴۲۴	۹۲,۳۳۴	۱۸۴,۶۶۷
	۳۲۴,۴۸۵	۳۴۸,۴۵۱	۷۹۹,۳۴۷
	۱,۸۰۲,۳۴۴	۱,۹۰۰,۹۲۴	۳,۵۹۸,۵۶۹

\* مصارف سوخت نیروگاهی و دستگاههای دولت و ارتش در این محاسبات منظور نمی‌شود (۸٪ بنزین مصرفی جهت دستگاههای دولتی و ۵٪ جهت ارتش).

# هزینه فرآورده‌های نفتی مصرفی در بخش صنعت

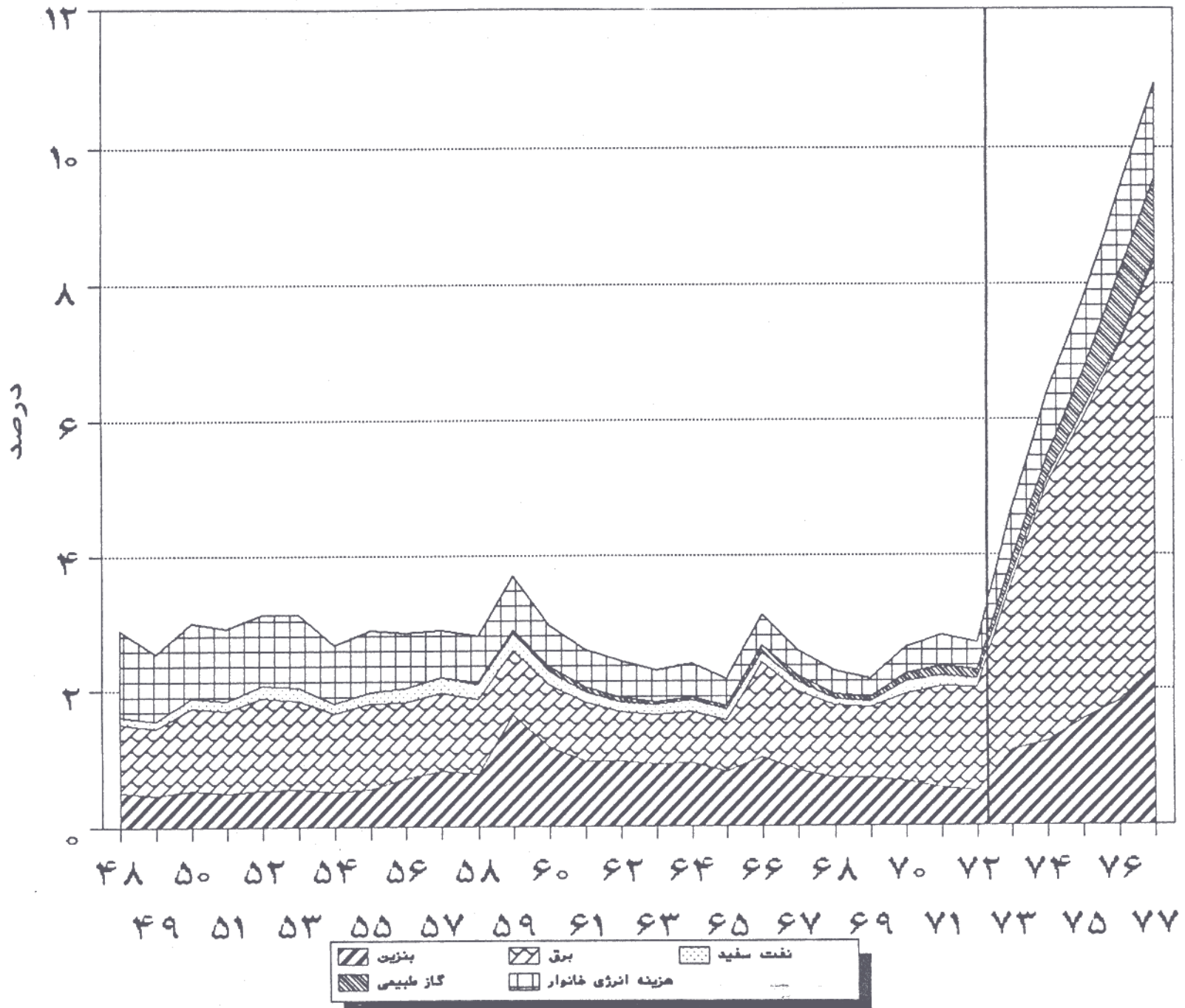


# هزینه فرآورده‌های نفتی مصرفی در بخش صنعت

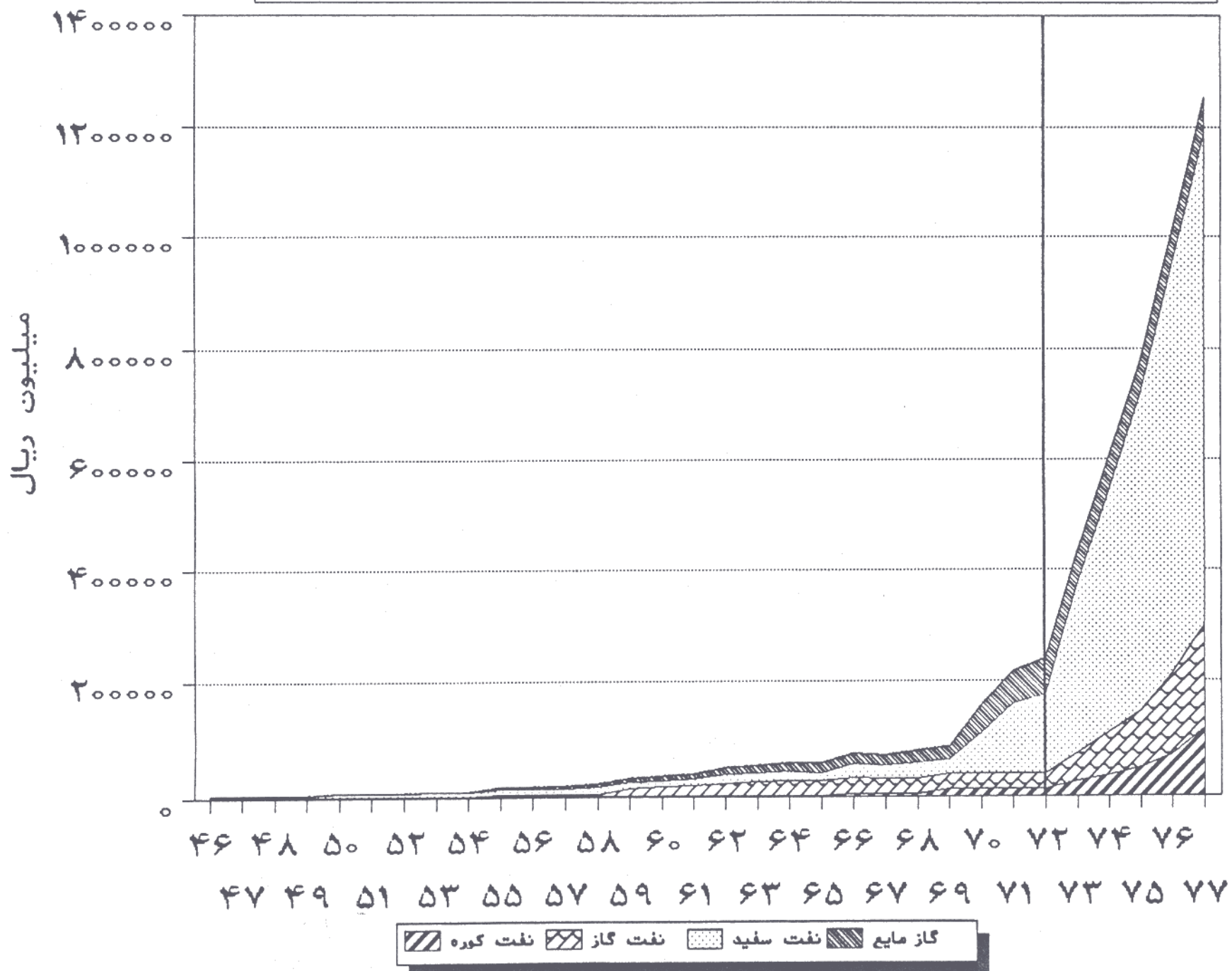


نفت کوره   
  نفت سفید   
  نفت گاز   
  گاز مایع

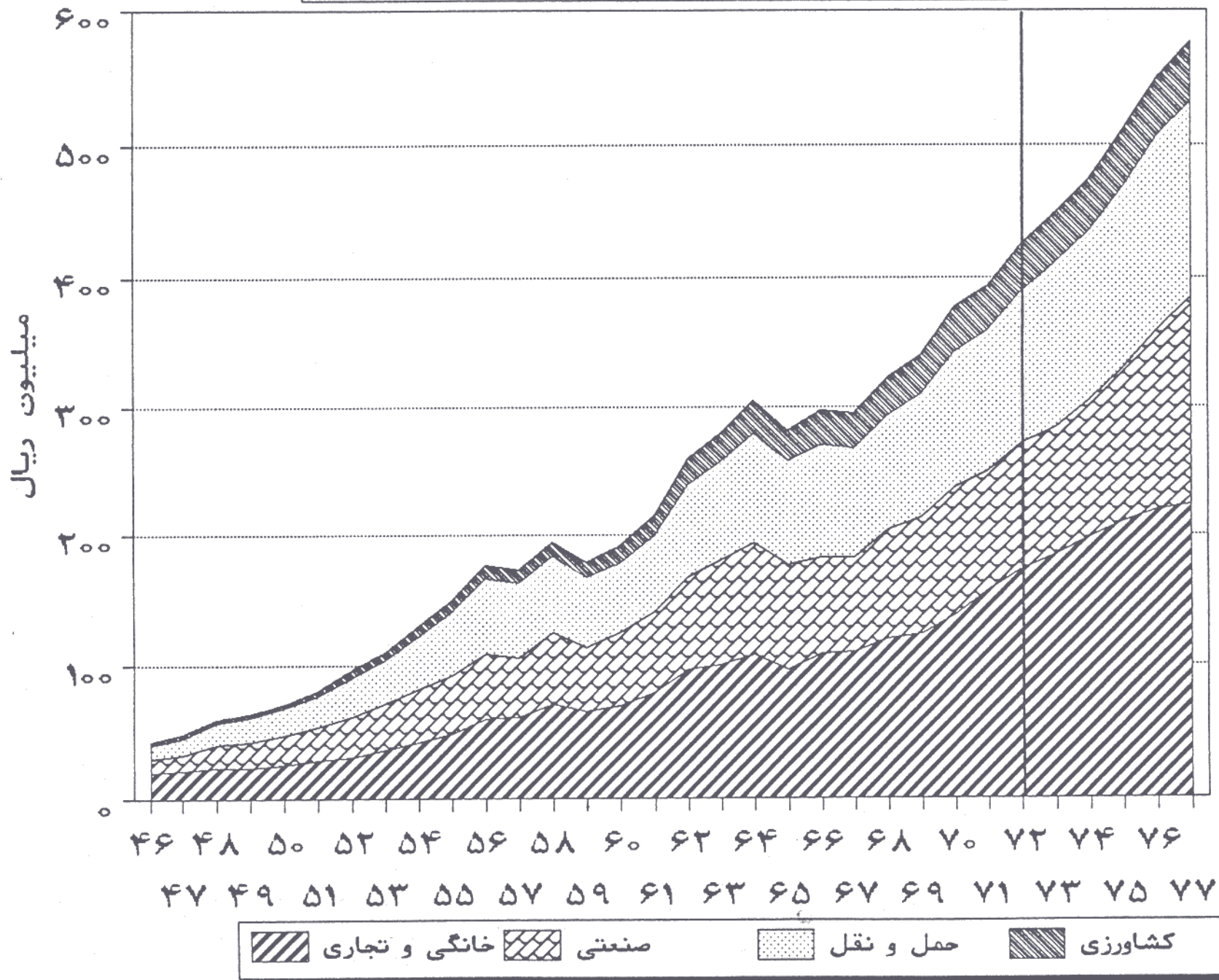
# تردیب هزینه‌های انواع انرژی در خانوار



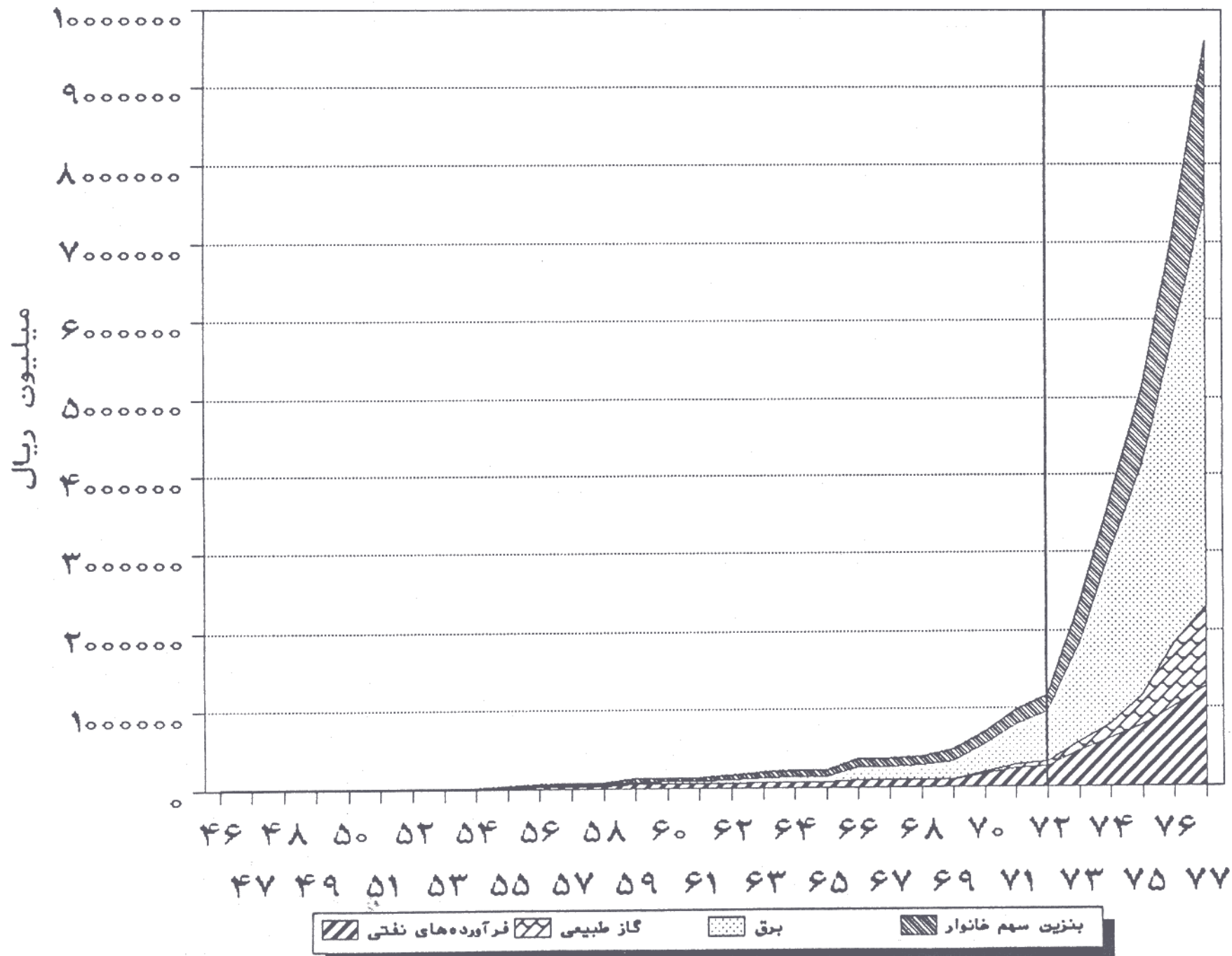
## هزینه مصرف فرآورده‌های نفتی در بخش خانگی و تجاری



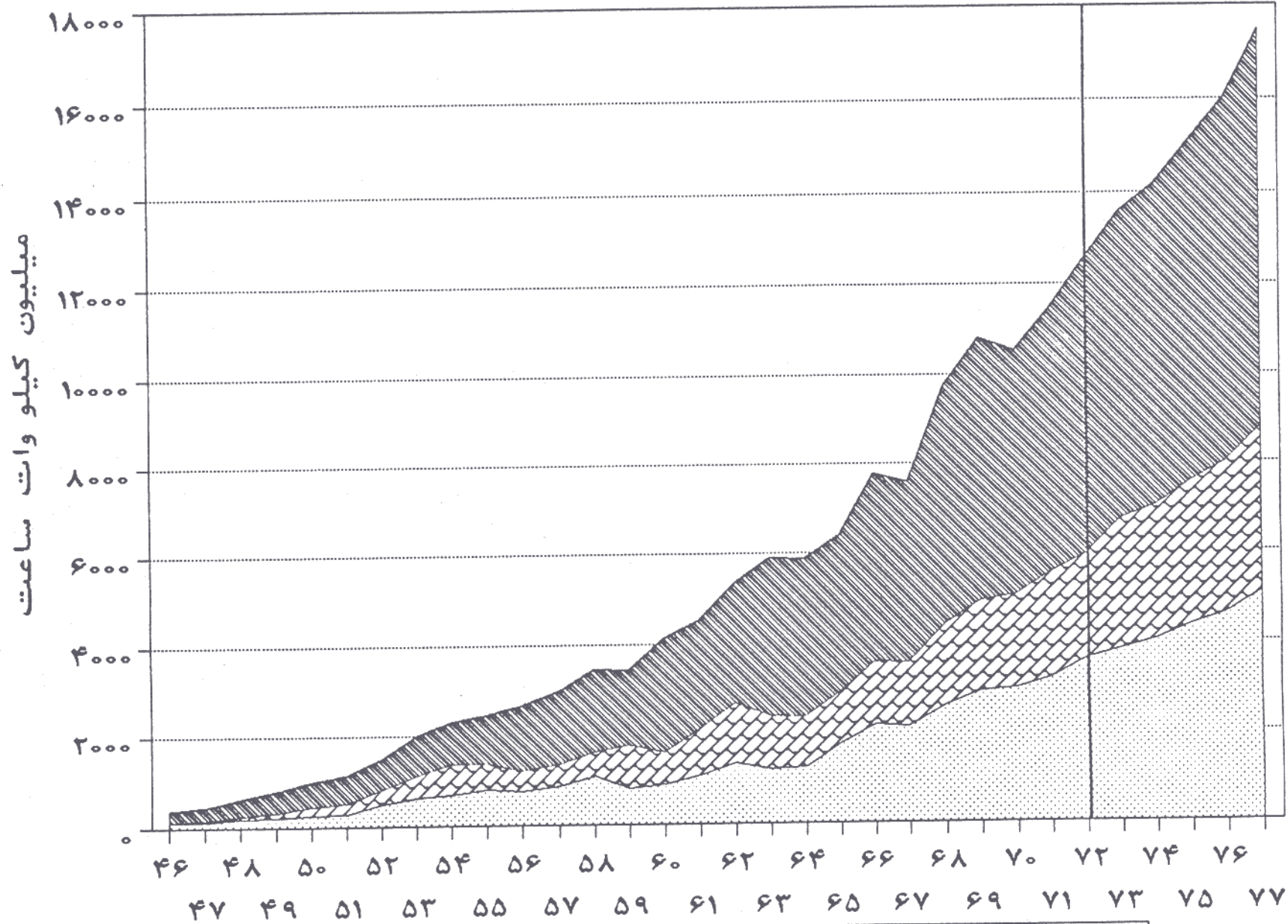
### مجموع انرژی مصرفی در بخشهای مختلف



# هزینه مصرف انواع انرژی در بخش خانگی و تجاری

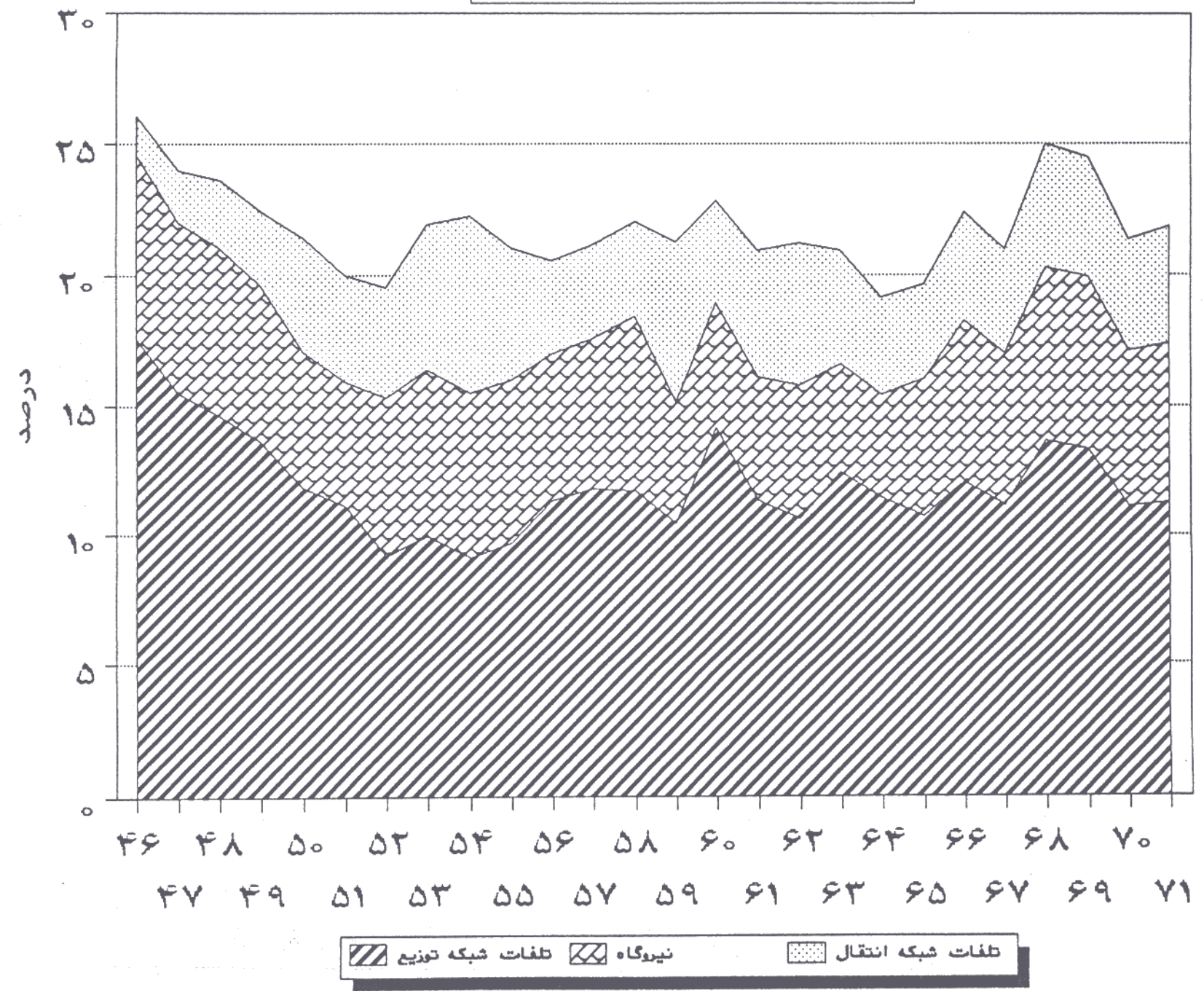


# روند مصارف داخلی و تلفات برق

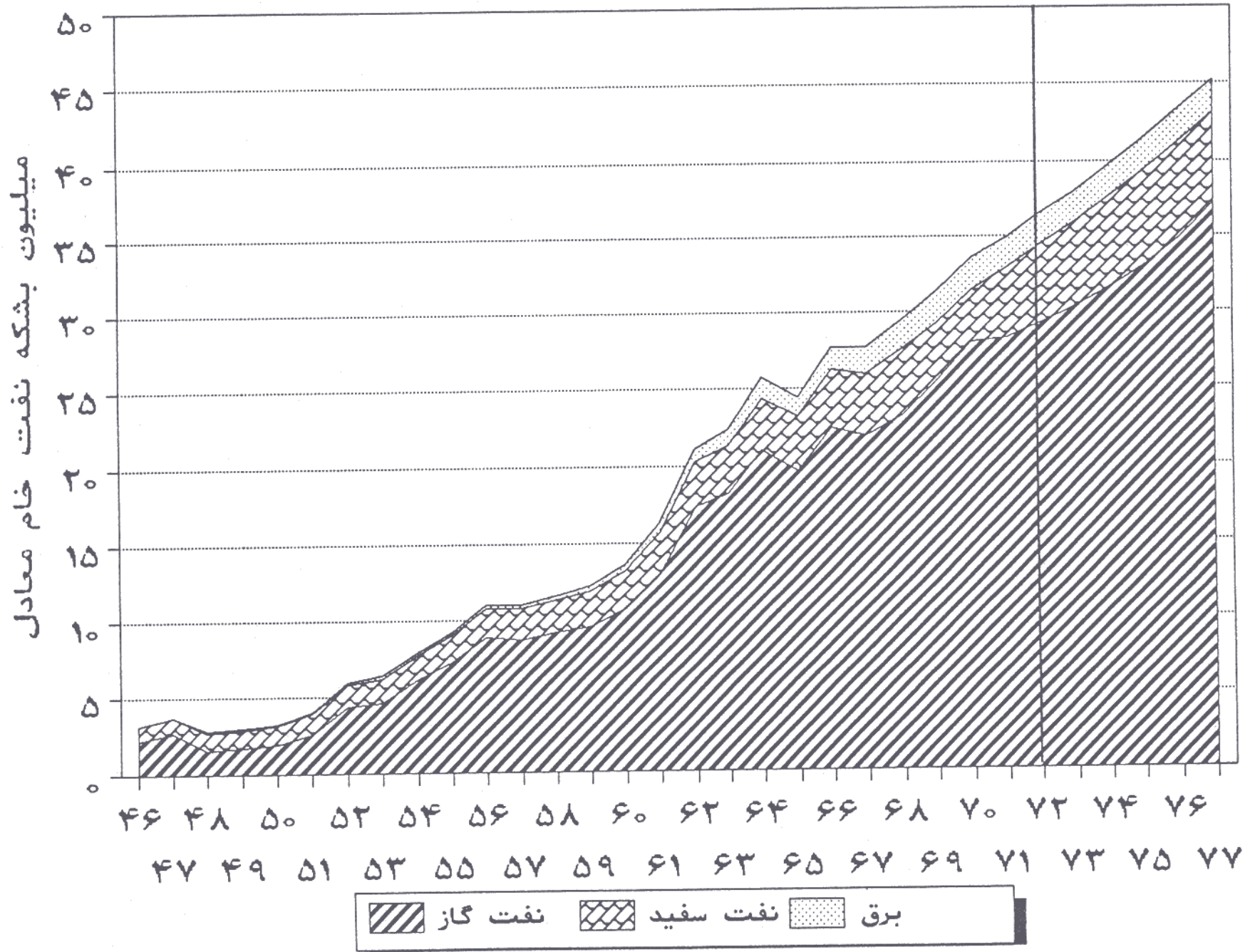


تلفات در شبکه توزیع    تلفات در خطوط انتقال    برق مصرفی نیروگاهها

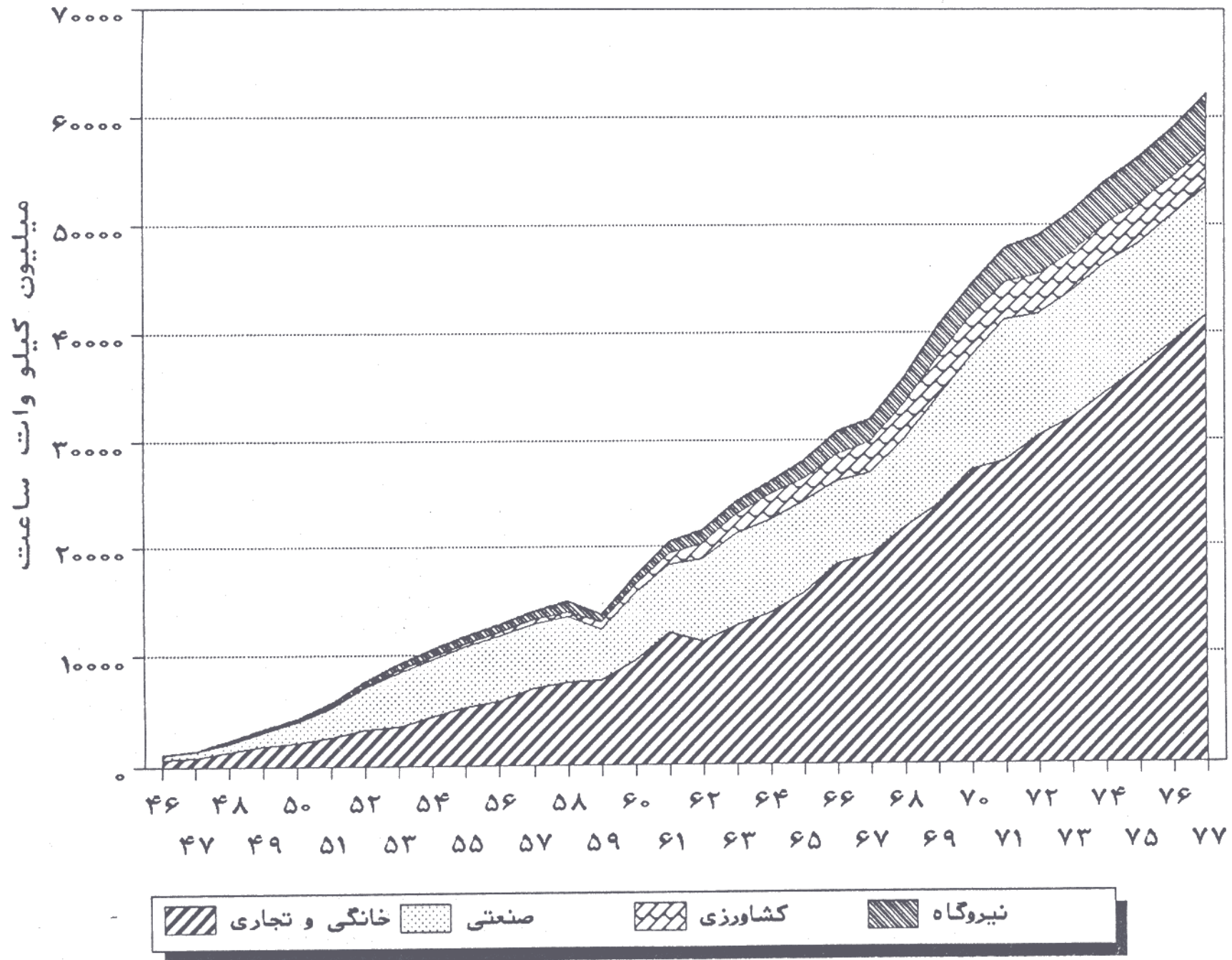
درصد ضایعات در نیروگاه



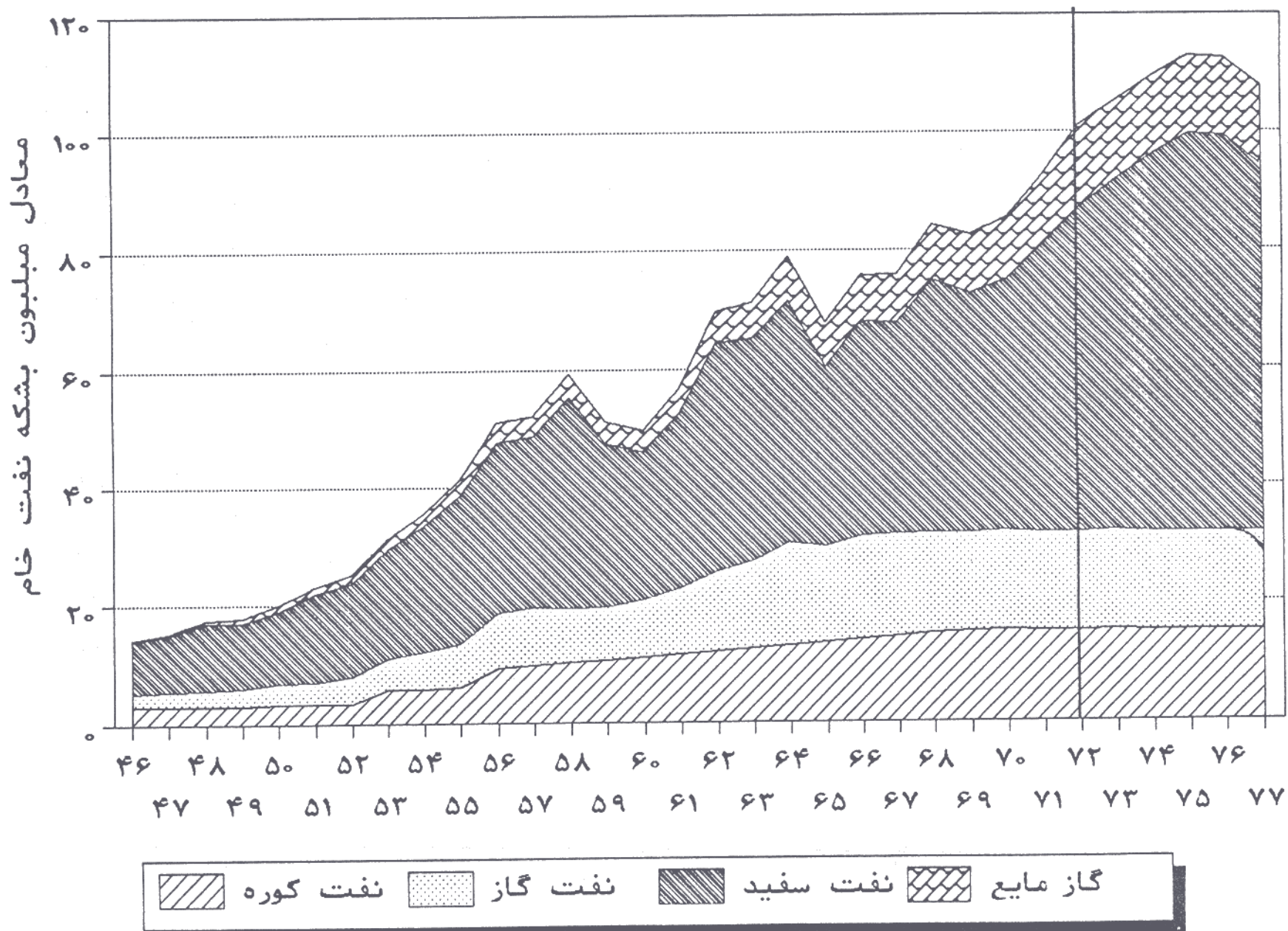
# روند ترکیب مصرف انرژی د ربخش کشاورزی



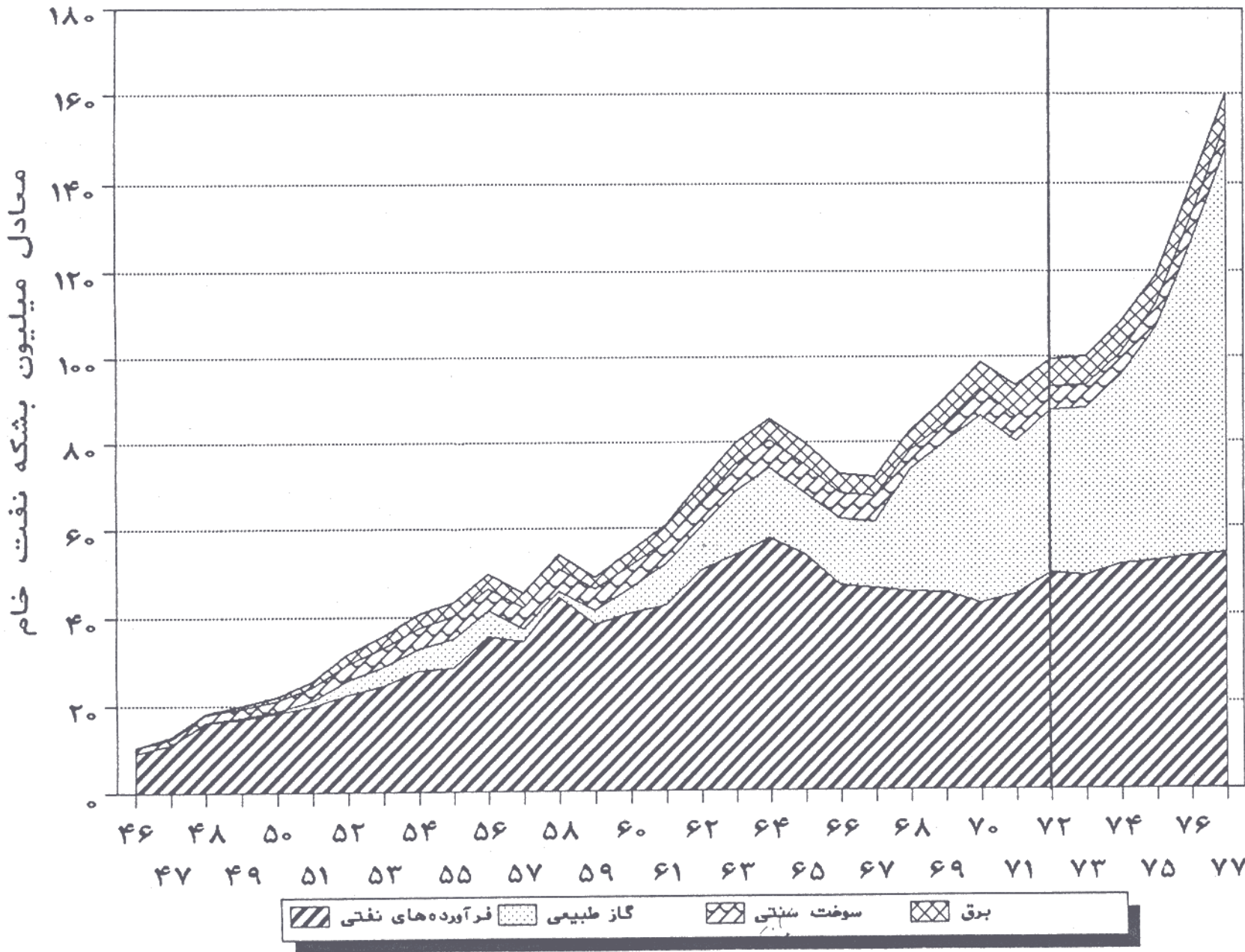
روند مصرف برق در بخشهای مختلف



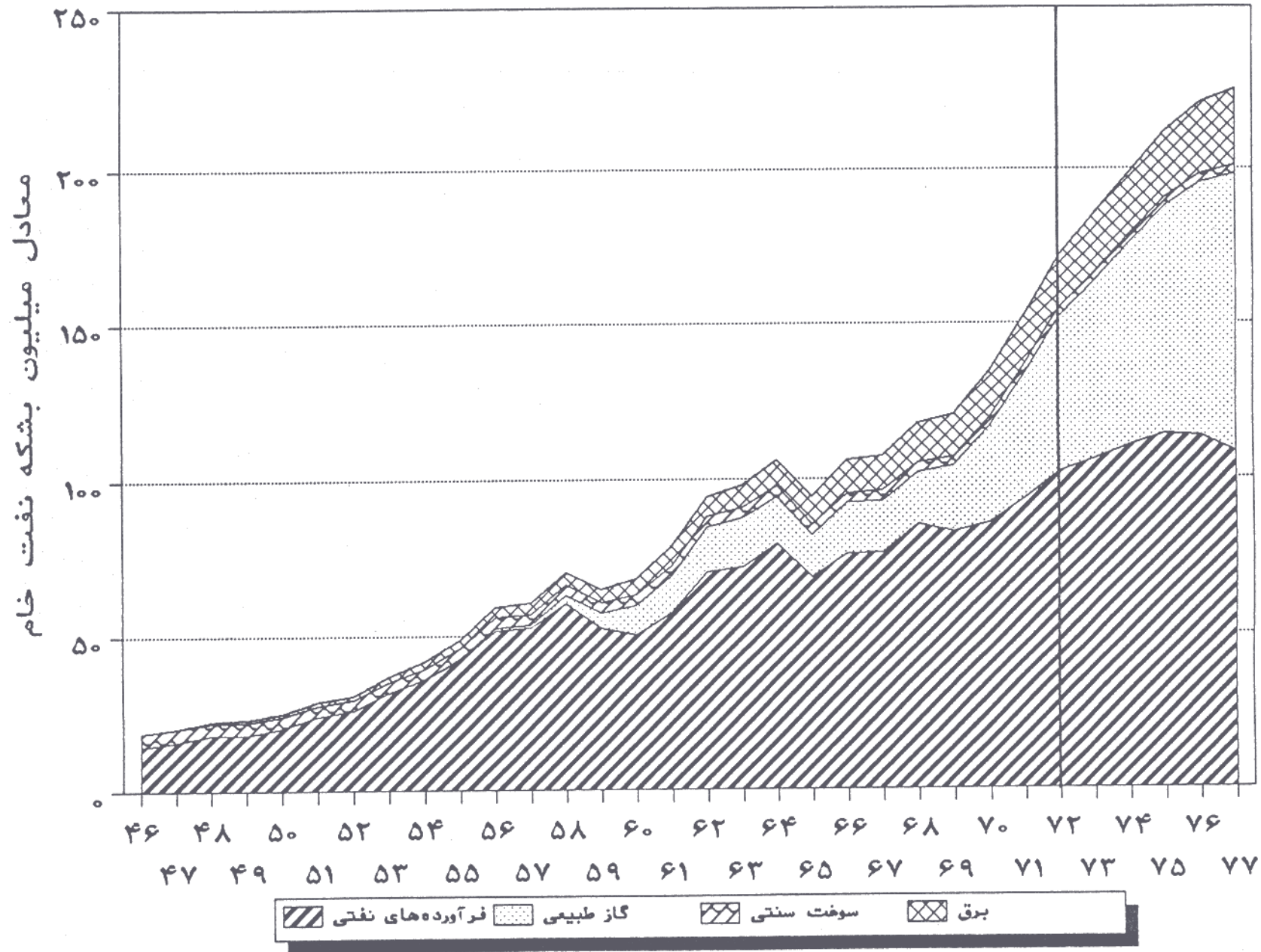
روند مصرف فرآورده‌های نفتی در بخش  
خانگی و تجاری



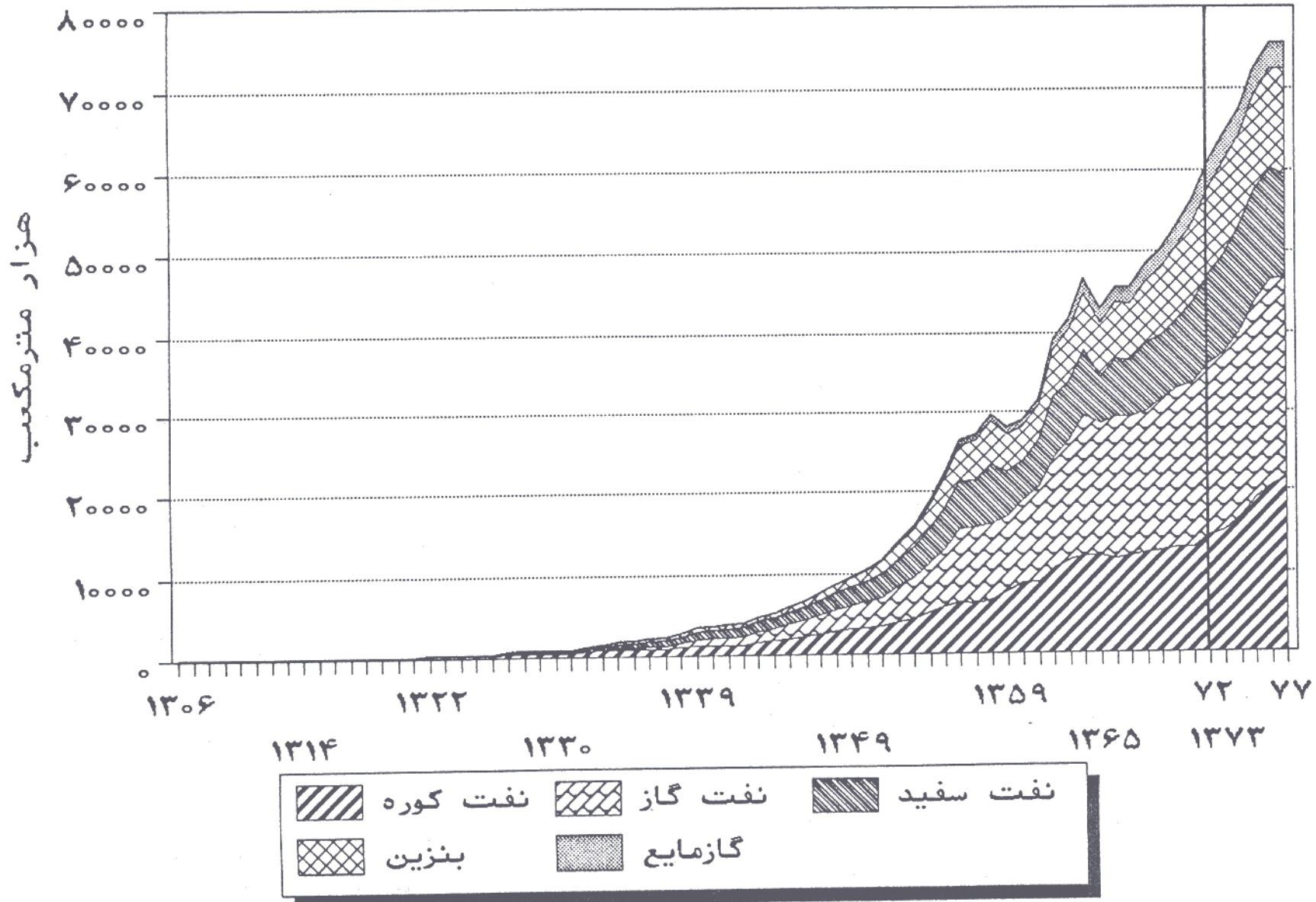
### ترکیب مصارف انرژی در بخش صنعتی



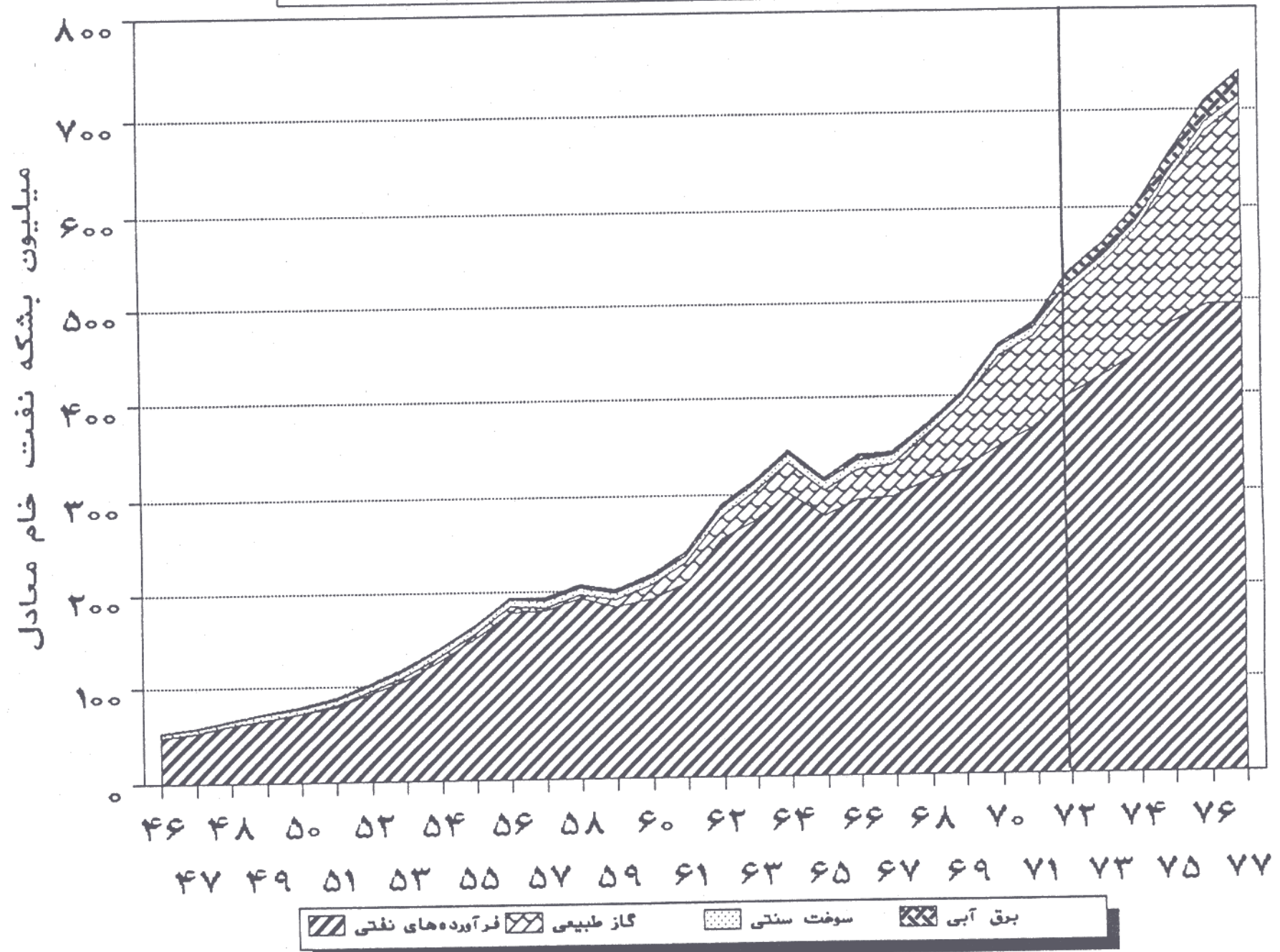
## ترکیب مصارف انرژی در بخش خانگی و تجاری



مصرف انواع فرآورده‌های نفتی  
 طی سالهای ۷۲-۱۳۰۶



# روند مجموع انرژی مصرفی کشور



# سهم انواع انرژی در مجموع مصارف انرژی

